

عبدالله بن محمد بن عبدالمطلب

عبدالله بن محمد بن عبدالمطلب

عبدالله بن محمد بن عبدالمطلب

سورة التين

الحق

سورة التين

الحق



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطاهرين وفضلته الغامرة
التي لا تحصى ولا تعد
والصلاة والسلام على آله
الطاهرين الطيبين الطيبين
الذين هم أمثال الجبال
التي لا تهتز ولا تتزعزع
والصلاة والسلام على من
لا نبي بعده ولا يخلفه
عقب ولا يورثه وارث
والصلاة والسلام على من
هو سيد المرسلين و
سيدنا محمد بن عبد الله
الذي هو خير الأنبياء
والأئمة وفضلته
التي لا تحصى ولا تعد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطاهرين وفضلته الغامرة
التي لا تحصى ولا تعد
والصلاة والسلام على آله
الطاهرين الطيبين الطيبين
الذين هم أمثال الجبال
التي لا تهتز ولا تتزعزع
والصلاة والسلام على من
لا نبي بعده ولا يخلفه
عقب ولا يورثه وارث
والصلاة والسلام على من
هو سيد المرسلين و
سيدنا محمد بن عبد الله
الذي هو خير الأنبياء
والأئمة وفضلته
التي لا تحصى ولا تعد

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطاهرين وفضلته الغامرة
التي لا تحصى ولا تعد
والصلاة والسلام على آله
الطاهرين الطيبين الطيبين
الذين هم أمثال الجبال
التي لا تهتز ولا تتزعزع
والصلاة والسلام على من
لا نبي بعده ولا يخلفه
عقب ولا يورثه وارث
والصلاة والسلام على من
هو سيد المرسلين و
سيدنا محمد بن عبد الله
الذي هو خير الأنبياء
والأئمة وفضلته
التي لا تحصى ولا تعد

الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على سيدنا محمد
الطاهرين وفضلته الغامرة
التي لا تحصى ولا تعد
والصلاة والسلام على آله
الطاهرين الطيبين الطيبين
الذين هم أمثال الجبال
التي لا تهتز ولا تتزعزع
والصلاة والسلام على من
لا نبي بعده ولا يخلفه
عقب ولا يورثه وارث
والصلاة والسلام على من
هو سيد المرسلين و
سيدنا محمد بن عبد الله
الذي هو خير الأنبياء
والأئمة وفضلته
التي لا تحصى ولا تعد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على محمد وآله الطاهرين وفضلته الغامرة التي لا تحصى ولا تعد
اما بعد فكل من يرجع احكام اشرفنا نام در اين ايام ميمنت فرجام سكر رجعة الاسلام نجته
العلماء الفظام والفقهاء الكرام والجهته دين الفحام مرتضى الانام وخليفة بالحق على كافة الانام
في جميع احكام الحلال والحرام مرجع النواص والعوام كلف الحاج علم التقى حاج شيخ مرتضى الانصاري
اعلى الله مقامه بود وجنا بسطاب قدوسى ايا ب عوارف اذ اب حاج محمد علي يزدى بى وفوضوا
باهر التوسر كار ايشان مدني مشرف بوده از ايشان مسائل تمام از حلال وحرام در حق مقلد
از عوام از عبادات وعقود وايقانات اخذ ثبت نموده وانهارا بنظر كهبا اشر ايشان رسانيد
و حكم بصحة وجواز عمل بانها فرموده وبخط ومهر شريف خود انرا مزين فرموده تا انكه بانها عمل
نمائيد و خود را از ورطه هلاكت بسز منزل نجات رسانند پس رجوعى ان باب تقوى و پرهيزكارى
بدستيا يكديكران را بپايد و او زودند تا منغست ان عام وطريق نجات انام از سخط وغضب خداوند
علام و وسيله شفاعة بغير اخر الزمان و اتمه كرام كردد و بصراط النجاة مستمى كرديد و مرتب
شده بمقتده و چند فضل و خاتمه اقامه مسائل در بيان مسائل متعاقبة بتقليدات چونكه باب
نجات از اى نامضوح ميشود بتقليد مجتهد و عمل عامى بدقت غير محاط بتقليد باطلاست
بدانكه مرغبت تقليد اكر چه عمل است لكن كفايت ميكنديا دكر فن فتواى مجتهد كه در وقت
حاجت بان عمل نمائيد همگى اقوى جان نبودن بقاى بى تقليد ميت است معتقدان اكر كمل

در تقلید

شود تقلید مجتهدی از علم مقدم است تقلید او بر علم و الا تقلید غیر علم کند با رعایت الاحکام

فالا علم و عین نیت بر عکس تقلید است چنانچه اگر احیانا طرائق اندیشد

از عدلین یا از عدل و الا نکه فادری باطنی را باشد مستلزم مراد از علم یعنی اسناد متردبیر

آوردن حکم الله و فهمیدن آن از ادله شرعی و در شناختن علم و رجوع به جوع با و کفایت

میکنند بجزردون عدل از اهل خبره که از قول ایشان ظن حاصل شود مسئله

شناختن مجتهد باید بجزردون از اهل خبره یا جوع از اهل خبره باشد مسئله

بعدم قدرت از علم تقلید غیر علم کرد بعد از قدرت با علم واجبیت عدل با علم مسئله

رجوع از حق بجای نیست مگر با علم مسئله هرگاه دو مجتهد در مواضع باشند در تفاوت

یا علم بتفاوت ایشان بهم رسانند و بعد از مخصص غیر است در تقلید هر یک مسئله

علم یا مظن با و رعیت یک به هم رسانند تقلید او در احوط است بلکه خلاف از قوت نیست

هر اگر یکی از آن دو مجتهد ساو بی او شود رفتاری باشد او حق مقدم است و بجزردون علم

عادل مقدم است بر عادل عادل مسئله هرگاه شخص در مسئله بقاء بر تقلید

میت تقلید مجتهدی را کرد که بقا را اجابت او واجب بود الا نه بعد از فوت این مجتهد

باید در این مسئله نیز رجوع به مجتهدی علم نماید مسئله رجوع به غیر علم در مسئله که علم

فتویٰ میدهد که واجب است هرگاه غیر علم فتویٰ داده باشد و احیانا ممکن نباشد و با امکان

احیانا غیر است در عمل با حیات و رجوع به غیر علم چنانچه گذشت هر ماذون نیست کسری حالت

احوطها مطلقا کند بلی جایز است رانها رجوع بسایر مجتهدین احیاء و رعایت الاعمال فالاحتمال

اگر چه عمل هم کرده باشد مسئله ظاهر کلمات علماء اینست که تقلید با علم واجب مطلقا

نه مشروط با چیزی که باید تحصیل علم کند و بعد از آنکه علم کسیت مسئله جاهل فاصهرگاه

عملی کند مثل نیز از بقصد قرینه و صحیح بداند و مطابق هم اتفاق افتاد باشد بجزردون

وای مجتهدی که تکلیفش در آن زمان رجوع با و است شده باشد صحیح است الا باطلست

جاهل مقترعین باه التماس مطابق واقع باشد هرگاه فرض شود که صدق قرب کرده باشد

مجتهد مسئله هرگاه در بین نماز مسئله روی داد بسبب جهل با مسأله و مرد

نکند چنانچه احتیاطی است
استلزامی است که از اشکال باشد
نقلی است
میرزا

بلکه هر فرضی که ایضا
میتوان نمود با علم
تکلیف از علم بلکه هرگاه
احتمال در بین باشد
و در دیگر مسئله
دور نیست لزوم
اخذ بان
میرزا

در بیان این مسئله
باید در این مسئله
توجه داشت که

در تقلید

شخص مصیبه در وصیت و فساد نماز جایز نیست و انکار آن عمل کند بقول ائمه پس اگر عارف
 با حیات طاهست عمل کند و الا نماز را قطع کند با تمکن از سوال و وسعت وقت و الاعمال عظیمه
 خود نماید و اگر مظنه ممکن نشود با احتمال عمل کند بقصد سوال که اگر مخالف بر آید و وقت باقی باشد
 نماز گذارد هر گاه بعد از وقت نباشد پس بعد از نماز سوال کند اگر موافق برآمد عملش صحیح است و الا
 اعاده یا قضا کند **مسئله** اگر پیش از نماز ملتفت بود و جهل یا نسیان خود او بدون عمد تحصیل
 مسئله نکرد و بنا بر مشغول شدن نمازش باطل است بجهت تردید و منزلت بود و حجت در مسئله جهل
 و احتیاط در صورت التفات بجهل در حکم جهل و لغفات که لازم است تحصیل آن و تنبیه غافل
 و ارشاد جاهل نیز لازم است بر عالم و الله العالم **مسئله** جایز نیست عمل کردن بقول ائمه
 مگر در وقت که موافق با احتیاط نباشد یا آنکه فتوای مجتهدی بدست نیاید و احتیاط هم
 ممکن نباشد در این صورت عمل غیر مجتهد **مسئله** تقلید در مسائل ضروری لازم
 نیست و اگر کسی قوه تحصیل اجماع داشته باشد بطوریکه علمای تحصیل میکنند در اینها
 نیز تقلید بر او لازم نیست و در غیر ضروری که بر او مجهول است یا مسئله خلاف است و احتیاط
 ممکن نیست تقلید لازم است **مسئله** در مسائل تقلیدی اخذ اجمالی کفایت نمیکند
 بلکه اخذ تفضیلی ضروری است و تحقیق تقلید **مسئله** تقلید غیر ائمه در مسئله که
 علم داری بوائفت او با اعلی جایز است و در صورت عدم علم بمخالفت هم جایز است مگر آنکه
 علم اجمالی داشته باشی بمخالفت آن در بیان احوال پس در این صورت جو از تقلید غیر
 اعلی شرط است بخص قاعلم بوائفت ایشان حاصل شود **مسئله** اگر در مجتهد استمالات
 باشند شخص یکی را اعلی دانست و تقلید کرد و چون بیکر اجمالی اجتهاد کنند و اجتهادشان
 مثل شک باشد فخص و تشخیص اجتهاد ایشان لازم نیست بلکه معین است تقلیدها اعلی
مسئله هر گاه عارض شود مجتهد در اجنوب یا فسق یا موت یا عدول کند از مسئله و تقلید
 عام نشود و بمان فتوی عمل کند عملش صحیح است و لحوط الحاق الفتن بجاهل قاصر یعنی اعاده
 است در صورت مخالفان با واقع **مسئله** نیست تقلید شرط صحت عمل نیست **مسئله**
 هر گاه شخص شک کند بعد از عمل که تقلید داشته ام یا نه عملش صحیح است و اگر قبل از عمل باشد تقلید

علم
 در تقلید از ائمه
 از بعضی مجتهدان
 و تقلید از ائمه
 از بعضی مجتهدان
 از بعضی مجتهدان
 از بعضی مجتهدان

مسئله
 در تقلید از ائمه
 از بعضی مجتهدان
 از بعضی مجتهدان
 از بعضی مجتهدان

مسئله
 در تقلید از ائمه
 از بعضی مجتهدان
 از بعضی مجتهدان
 از بعضی مجتهدان

در تقلید

کند و اگر در بین علمای هر طریقی باشد مثل نماز اقوی و عبادت انبیا تقلید هر گاه بجهت رسیدن
از راهی سابقتر گردد و مقلدین هم در عمل گذشته استوار نیستند و واجب است بر ایشان عدول
اذا احکام گذشته ایشان مثل طهارت و نجاست و حلیت و حرمت برهم میخورد و عبادت
مثل عقود و ایقاعات اختلاف و اشکال است و همچنین است که خود بجهت رسیدن از راهی دیگر
فرضیه نسبت به عمل نیتواند کرد بلکه اخذ از بجهت جامع الشرائط باید کند هر گاه شخص بابد
بر تقلید مجتهدی ناپسند باشد بتقلید صحت بدون تقلید مجتهدی ناپسند علم و عبادت کند عبادت
او باطنیست **مسئله** اگر کسی تقلید کرده غیر از علمای با علم بطریق بودن با علم یا عدم علم بخلاف
بودن ایشان بعد معلوم شد مخالف بود نشان واجب است عدول با علم و احوط عبادت عمل گذشته
مسئله اگر تقلید کرد از او در وجهی غیر از علم جایز است تقلید او تقلید است
مسئله نایب بجهت عدم ولایه طمأنینه یا وقف یا غیره در بیعت و جنون و فسق بجهت عدم
معقولی میشود **مسئله** اگر شخص تقلید کرده که را اگر اخذ بکتاب مجتهدی تقلید میداند است بعد از
وفاتش مجتهدی علم تقلید صحت را جایز میداند و او اخذ کند کتاب مجتهدی ناپسند تقلید غیر
ندارد اگر چه این مجتهد اخذ کتاب را تقلید نداند پس باید در حقیقت تقلید صحیح است و واجب است
که مقلد بدانند مذهب مجتهد شراد و معنی تقلید مگر بجای تقلید که باید مذهب مجتهد صحیحی اعلم را
بدانند **مسئله** هر گاه شخص تقلید کرده اعلم را و حکم مسئله را بعد از اموش کرده و تقلید دیگر
کرد یا اعتقاد مجتهد خود را در حال آنکه خلاف حکم مجتهد خود را بود بعد که فهمید لازم است عدول
بجهت اول و عمالش صحیح است **مسئله** هر گاه شخص زید چیزی را یا قسم که مجتهدش صحیح و انبیا
و فرستنده باطل میداند انبیا برای مشرک میباشد ندارد از برای آن فرستنده باطل است
اگر مخالف باشد تقلید و کیل یا اجتناب از او با علم بان باید و حکم موافق تکلیف است
علت و اگر جاهل باشد بجاهل موکلش بجاهل خود شرع میکنند و واجب نیست استفسار بجاهل
موکلش بخلاف آنست که علم میکنند بتقلید یا اجتهاد خود شرع هر گاه شخص تقلید کند شخص
معتبر را بجاهل آنکه زیادت بعد معلوم شد که عرواست ضرر ندارد **مسئله** جایز است تقلید
مجتهد با ما و بودن ایشان بشرط اینکه مسئله که تقلید کرده عدول نکند بیکر و اگر مسئله

در تعلیقات

یک چهارم سفر نداند و درون مستحبه الحرام بداند و یک چهارم سفر نداند و روزی مستحبه
 در سفر چهارم بداند و شخص چهارم فرسخ بزود و روزی مستحبه بداند ضرورت دارد و در این صورت
 تقلید هر دو مجتهد شده است **مسئله** طریق اخذ مسائل است در صورت اول از مجتهد
 شنیدن دو یا از عدلین یا از عدل واحد شنیدن که او باشد از قول مجتهد است یا از
 کتاب فتوای مجتهد بشرط آنکه نام او مأمون باشد از غلط یقینا یا بحسب ظن علی الاقوی و اگر
 دو عادل برخلاف یکدیگر خبر دهند فتوای مجتهد بر او است توقف و عمل کردن با احتیاط
 است **مسئله** بداند عدالت بلکه است که حسن ظاهر بلکه حسن ظاهر کاشف است بلکه در
 بشرط حصول ظن بلکه **مسئله** هرگاه خلاف واقع شود پیش از کتاب شنیدن از مجتهد شنیدن
 مقدم بداند و قادر و تعارض ناقل یا کتاب ناقل یا مقدم بداند از کتاب شنیدن از مجتهد
 یا کتابی مختلف بر بعضی عمل مؤخر نماید در فهمیدن کتاب بمطرحه گمانه استوار کرد و شنیدن
 انکفایستوار کرد بمطرحه هرگاه شخص مستتر مجتهد یا کتابش و یا ناقل عادل هر دو اصل واجب است
 با احتیاط عمل کند اگر موجب عسر و حرج نشود و اگر تقصیر نماید در عمل کردن با احتیاط لازم است
 بر او اعاده یا قضا و اگر ممکن نباشد احتیاط واجب است بجهت آن محل اگر عسر و حرج
 نباشد و الاخذ بقول مشهور و احتیاط میکنند ثم الاشیء فانهم یلزمون بالحدیث و یلزمون بالحدیث
 بموارد شهرت بدون مسامحه و اگر متعدد باشد از جمیع اشیاء یعنی ماکد با و توأموات در فقه
 و الاخذ بحدیث معتبر و خود و اگر ظن ندارد یا اشتغال نماید و تکلیف است باطنی میشود در هیچ یک از این
 موارد اگر شیوای علمای اجماعی چه میت که سوان المصیبات یا شاید است و یا از جمعی شیعه باشد و عمل کند
 ضرورت دارد اگر چه قدرت با علم بر داشته باشد **مسئله** هرگاه در کتابی یا کتابی که در آن
 احادیث از او در آن قطع و از او بداند که هر یک بر یکدیگر از شراب چون محقق و موجود و منافق
 است و منقح است از حدیث است اگر چه بسوی اعاده است و منقح است از حدیث است و تقلید بقصد قربت
 عمل کند و بسوی ائمه است و عمل کند و عمل کند و عمل کند و عمل کند و عمل کند و عمل کند
 که بجهت استنباط استنباط است و عمل کند و عمل کند و عمل کند و عمل کند و عمل کند
 در زمان است بول و انطیاق از حرام که شد که خون پیندا را داشته باشد و منقح است و منقح است

این مسئله تعلیل
 دارد عرض اینست
 که مقدم شفاء بر
 کتاب مطلق نیست
 بیست است که کتاب
 ائمن استغاثت
 در کتاب غیر رفق
 میشود کرد و شفا
 بسا هم که میشود
 تا به اصرار میشود
 تقضیات
 میرا

در نجاسات

حیوان که خون جگر او باشد و سگ و خوک صحرا بی زنده و بیانی و کافر و شراب بانگ و چرخ
 و سگرات تابع ملحق بشر است و فظاح و عرق جنب از حرام و عرق شراب و جلال و احوط اجتناب
 از عرق هر حیوان جلال است **فصل** مطهرات پانزده چیز است این زمین و آفتاب و استخوان
 و انفال و اسلام و شکر شدن نجاست از بدن حیوان با احتمال طهارت بنا بر احتیاط و بر طهارت
 شدن نجاست از باطن سگ و گاو و کبوتر و خون مذبح حیوان و انفضاغها و استبراء جلال و سگ
 و گاو استنجاء و غیر آنها و غایبند مسلم با احتمال طهارت با غسل نجاست و استعمالی که عرفا یا
 شرفا افادت طهارت است بنا بر احوط و تبعیت و نفس **فصل** در باب نجاسات هر چند
 چیزی که مشتمل بر نجاست است اگرچه منجس نباشد و اگرچه ظاهر با طوبی با آن ملاقات کند
 آنچه ظاهر بید ایملات نجس میشود و مسلمان با نجس بعد از تطهیرش اگر خورده اشیا
 و نحو آن در آن مانده باشد پاکست مگر آنکه این نجس و جوف آن رفته باشد ظاهرش پاکست و
 جوفش نجس است **مسئله** نجس هر گاه وکیل تطهیرش کند و اطمینان باود داشته باشد
 ظاهر است و الا که بطهارت متکلف است هر اب که در یک صدق جاه نمینند در حال جوشیدن
 از چشمه های آن اگر نجاستی بان برسد نجس میشود و الا نجس میشود اگر نجاستی پاک شد
 قی می کند که اب از آن جوشش باید و مزوج با نشود پاک میشود هر گاه دست نجس
 اب قبیل بر آن جار شود همین که اب گذشتن آن موضع در دفعه ثانی پاک است اگر چه
 اش از موضع دیگر رسیده است مثلا نگذشته باشد **مسئله** اگر طرف منجس که صد محل واحد
 کند بسرا بخت که نجس میشود یعنی پاک شدن محل پاک میشود اما غیر طرف آن بغساله
 نجاست منجس است در مرتبه اولی و در مرتبه ثانیه احوط اجتناب است مگر غسل استنجاء
 با شستن **مسئله** از عرق از جنب و طی نجس و نحو آن احوط اجتناب است مگر غسل طهور
 هر گاه شک داشته باشد که از حیوان گوشت یا حلال گوشت پاک است و غسله شب بیه
 نجس است مگر ناخن مثلا سگ بزری از خورد و خون در زیرش سرد بعد فرجه به رسید اگر
 خون از استعمال شده است پاک است و اگر صدق خون کند نجس است و هم چیز است غیر ناخن
مسئله هر گاه غایب یا حیوان باشد و از همان خود بیاید و بان غذا برسد با دهنها

طهارت
 و انفا و سب
 مطهر است
 ۱۲

طهارت
 اگر نجس
 نجس که
 جاه فشرده شود
 میرزا

طهارت
 علی احوط
 میرزا

طهارت
 بلکه آن
 میرزا

در نجاست

پاک نغی شود بتا بر احتیاط بلیه اگر خون بان نرسد پاک است نجس هم نشود **مسئله** نجس
 نجس هرگاه بسر بیاید اند اگر چیزی از عین سنا بماند بعد از شستن نجس است و الا بعد از تطهیر
 رنگ آن پاک است **مسئله** زمین بازاری و غیره قاعلم نجاستش ندارد پاک است و در صورت
 مظنه نرسد بیک لحوط اجتناب است **مسئله** خون شبیه نجس پاک است **مسئله**
 اگر دانه انکورچه در غوره باشد که البش بکشد و مستهلک شود بجوش آمدن نجس نمیشود و
 هرگاه مخوفای نارس بجوشد و طبع ضرر ندارد **مسئله** زمین یا دیوار یا فرش یا لباس
 شخصی نجس نباشد با رطوبه سزایه کشنده و دیگر بر او وارد شود و بر آنها بنشیند مثلاً در حیاط
 خانه لازم نیست که او را اعلام کند **مسئله** چینی مثلاً طعام میخوردند یک نضله موی شیء مثلاً
 در آن دید و اجینیتت بیک از اعلام کند اما خوردن خورد بلیه اگر بعد معاشرت با ایشان
 وارد اعلام کند که هر چه نجس است تطهیر کند **مسئله** پشم و پشمیان که خون از بدن میخوردند
 هرگاه او را بکشند اگر خونش را بجز او حساب شود پاک است و الا نجس است **مسئله** نجس کردن
 میخوردن و فرشان و ظاهر که دلش با قدرت زامبست و طرف بیرون از دیوار مسجد حکم مسجد را دارد
 بتا بر اجزای **مسئله** آب چاه حکم آب گرم دارد و نجس نشدنش ببلانات نجاست اگر چه کما از کوه
مسئله هرگاه تطهیر کرد شخص لباس متنجس بعد بدین عین نجاست با نماند در آن هرگاه که
 علم دارد که غسل را نموضع رسیده است نجس است و با نماند دیگر پاک است **مسئله** عند
 و مثل آن هرگاه تطهیر شرعی شده باشد بعد از آن بلیه از آن بیاید پاک است **مسئله** نجس
 هرگاه بجای دیگر برسد و مرتب با بقلیل شستن لازم است و با بکری جاری بکری تطهیر میکنند
 و همچنین غسل بعد از آن اگر بجای برسد **مسئله** آب انکور که در آفتاب جوش نیاید و قوام نیاید
 پاک است اگر بعد و طبع جوش آید نجس میشود و هرگاه باقی جوش آید و به آفتاب نشاند
 شود پاک است و لحوط اجتناب است **مسئله** نجس و شرب آن را هرگاه آب کنند و کدخنی شود
 دیگر باقیه نیست مگر ظاهر آن بعد از شستن **مسئله** تنور هرگاه نجس شود با بقلیل و اثر
 پاک نمیشود هر چه نجس هرگاه بسوزد از آتش آن پیش از ذوال شدن اجتناب کنند تا بجا آید
 از ذوال آفتاب کاشش پاک است **مسئله** نجس مثلاً هرگاه سزایه در میان جامع کرده و از آن بر

مسئله
 اگر سزایه کشنده باشد
 نجس است
 اگر سزایه کشنده نباشد
 نجس نیست
 اگر سزایه کشنده باشد
 نجس است
 اگر سزایه کشنده نباشد
 نجس نیست

مسئله
 اگر سزایه کشنده باشد
 نجس است
 اگر سزایه کشنده نباشد
 نجس نیست

در نجاست
 اگر سزایه کشنده باشد
 نجس است
 اگر سزایه کشنده نباشد
 نجس نیست

در نجاسات

نهار است و ممکن مجوس و لباس او هرگاه که نماز گذارد در آنها مستحب است که آب بر آنها
 و خشک شود هرگاه نجس ندانند آنرا و پوش نند که بار طوبی چیز را ملاقات کند که اثرش
 ظاهر نباشد آب بیاشند بر آن و اگر اثر طوبی ظاهر باشد مستحب است شستن آن
 هرگاه دست بکوبد یا خنجر بر کوبد یا با اهل کتاب مصافحه کند مستحب است که نجس با آب
فصل در ازالۀ نجاسات واجب است ازالۀ نجاسات از جامه بدن چیزی را
 و طواف و آب و از شاهد نماز هر اسماء و ابناء و ائمه و طوبی چیز را
 چیزی در آنها بر طوبی و محل سجده نماز و غیره هرگاه چیز ظاهر برسد یا نجس یا استنجین یا
 رطوبت سر آید نجس میشود قطعا هر شیخ زمین نجس هر چه برسد نجس میشود هر
 نجاست ثابت میشود بعلم یا خبر و عادل بلکه یک عادل علی الاحوط یا خبر دادن کسیکه انما
 در تصرف او باشد اثبات و مظنه ثابت نمیشود در مظنه نزدیک بعلم لحوط و از نجاست
 هر شی مستنجس ظاهر نمیشود مگر بعلم بتطهیر آن یا خبر دادن یا قول کسیکه در وقت است
 هرگاه چیز نجس در میان چند چیز ظاهر میشود باشد بار طوبی هر کدام که مساوات نماید
 ضرر ندارد اما نماز کردن به هر یک از آنها جایز نیست هرگاه ممکن شود غیر از آنها و هرگاه ممکن
 غیر از آنها نماز کند با هر یک از آنها یک دفعه و هرگاه آنها ممکن نشود عرفا یا نماز کند در صورت
 امکان از عرفا بشدن یا یکی از آنها نماز کند هر قطعه مستنجس هرگاه مثل لباس باشد و غیر
 باید فشار دهند علی الاحوط هر دفعه بقیه که غالب آبش بپزدند در یک جا که دفعه
 دویم با که دفعه اولی هم از باب احتیاط است مگر بول که در آب جاو یک ترفشار کفایت میکند
 در زیر آب هم هرگاه فشار دهند کفایت میکند هرگاه در زیر آب یا بپزدند آب چیزی را بپزدند
 مثل فرش مثلا لکه کنند یک فشار حساب میشود هر چه بدند در زیر آب بپزدند یا بپزدند
 دست بر روی آن گذارد و بردارد و شستن حسام میشود ایا با آب قلیل در دره دره باید صبر کند
 با قطره که مشرف بر ریختن است بزهره غساله نجس است در غسل او لای تا در غسله تاثیر
 احتیاط است مگر غسله مخرج غایب که تعدد کرده است و نجاست یکریک مخرج سرد و قوی
 و بود و مفره نجاست تمام نرساند و خوردۀ نجاست را و معانم نشود یا کت و مخرج سرد یا کت

بسته
 شیخ نجس
 و آب
 نجس
 ۳۵

هرگاه که فتنه
 باید پیشا منقول
 و آب جدا حاصل
 تا تعدد محقق
 شود
 میرا
 بلکه افسه
 میرا

در نجاسات

بهمان پاک شدن اول و مخرج بول و ادر و مرتبه باید شست و همچنین مخرج غایب از تنه که غایب است
 نجس باشد و مرتبه باید شست هر طرف هرگاه که در مخرج آن خود نجس کند بیک مرتبه باید شست
 پاک بر او نماید و در دفعه دیگر باب باید شست و اگر طریقه باشد که خاک نتوان با او فالید پاک
 نمیشود و هرگاه خوک بطرف زبان طریقه را نجس کند که از دهان ترشتر اگر بشویند پاک نمیشود
 و در سگ هم هفت مرتبه احوط و اولی است نجاست های دیگر مرتبه باب قلیل اگر چه هر دفعه
 آب بر آن بریزند و بگردانند و هم چنین جب یعنی خم یا ظرفهای بزرگ یا حوض آب را اطراف آن
 بخاک کشند و در آن آنچه جمع شده باشد بطریقه پاک هر دفعه بیرون آورند و اگر اثر آب که پاک بکند
 و دفعه دیگر و سیم هم چنین کنند و اگر تیره آن سور اخ باشد که در هر دفعه غسل آن بیرون
 رود نما یا با آن ظرفی که در غسله در آن نجس هر دفعه پاک میشود هرگاه طریقه آب نجس
 در آن باشد آب که با جاربان آب مخرج شود پاک میشود اگر چه آب جار هنوز نجس
 هم نرسیده مطاع شود تعداد هم ننجس اما در احوط است و همچنین هرگاه باران یا آب مخرج شود
 بقدریکه بر روی زمین صلب جریان حاصل شده باشد علی الاحوط هر طرف نجس و هر چه فشار
 احتیاج ندارد بجز آن آب بارش بر آن پاک میشود هر آنچه تعداد و فشار میخورد باید
 بارش بر آن فشار و بقیه تعداد پاک نمیشود علی الاحوط هر طریقه که کوری ندارد مثل شتاب و سینه
 و پشت سر طریقه باب قلیل دو شستن کفایت میکند هر چه نجس فرو کردن آب که نجس است
 یا بارش بقیه مذکور پاک میشود اما باب قلیل هرگاه صلب است زمین مثل سنگ و آهن
 دو شستن که هر دفعه غسله از آن برود یا با کهنه پاکه مثل بکیرند پاک میشود و اگر تیره
 و خود با شامه مثل کل پاک نمیشود هر گاه شستن در بستر و پیر هرگاه نجس شوند بدو شستن پاک
 میشود اگر چه باب قلیل باشد سگ اگر طرف و دست هر گاه چوب شده باشد بجز
 در شستن که فایده باشد از رسیدن آب بان چوب باید چوبی را بر طرف کرد تا آب بان چوب
 پاک میشود و الا مشکل است اگر روی نجاست چوب شده باشد چوبی نایع بجز کدر آب
 که بریزند پاک نمیشود هر متنجسید غسله اش و صاف بیرون آید پاک نمیشود مگر آنکه آب
 مطلقه بر نکین باشد غسله اش ضرر ندارد و پاک میشود اگر نجاست باشد مثل خون که

احوط السنک
 و از خال نشانه
 تعداد آن آنچه
 بر زمین و مال را بط
 از آن آب جاس
 در مرتبه چند
 در زمین مذکور است
 و اولی بعد از غسل
 شستن مرتبه است
 میرزا
 محل تا به است
 میرزا
 بشرط تغییر در سق
 آنچه محتاج است
 بنظر میرزا
 احوط و اندرون
 طرفه مرتبه است
 میرزا
 که اینها احوط
 نفوذ میکنند
 میرزا
 یعنی ظاهر آن
 میرزا
 با نجاست

در نجاسات

این در نجاسات
نقد میخواند
میرزا

باینحالت پاک میشود هر چیزی که آب نجس در آن نفوذ کرده باشد تا بدینشکایتند انرا بقسمی که
دو دفعه آب جاری یا گرد در آن نفوذ کند بنا بر احتیاط و اگر آب در آن نفوذ نکند با طفتش پاک
نمیشود هر گاه آتش بگذارد چیزی نجس پاک نمیکند مگر آنکه خاکستر نبارد و یا بخار نکند انوقت
پاکست و در پاک بودن ذغالشم اشکال است هر گاه شخص تعلیم کند بجهت پاک کردن آنکه غسل
پاک میداند و دیگری بجهت پاک کردن نجس میداند باید اجتناب کند از اینکه نجس میداند
هر چیزی که علم دارد ملوث بعنانه نجس است و با عدم علم معاشرت بان شخص ضرر ندارد
علم هر گاه صورت شخص شل نجس باشد فراموش کند که از آنکه کند از او وضو
بنزد بعد که بمحاطرش بیاید هر جا که علم دارد که از طوبت موضع نجس بان رسیده با وضو
وضو بشود و وضو را افاده کند **مسئله** گوشت و دهنر شلا که روغنش کد اخضر نشد باید
نجس شود پاک میشود بدوشستن آن چیزی با بقیلیم باشد **مسئله** بول پسر خوار که وضو
غذا خور نشده و شیر خنجر بر سنگ و کافر نخورده و نجاست دیگر بان نرسیده بر نجس
اب بر آن پاک میشود لکن بیک دفعه مشکل است بلکه اعتبار بقدر اوقیت و هر دفعه جدا
شدن غلظت اش لحوط است هر چو کوی مثلاً بدست باشد یا الدیر نهی یا غیر زمین که خون از آن
شود پاک نیست بلکه باید با آب شست و همچنین چیزهای صیقلی مثل شیشه **مسئله**
اگر خون در آب گوشت که میجو شد بریزد نجس میکند هر چند قلیل باشد و اقا با آب دهن
اگر خون را از حیوان ازاله کند پاک میشود هر آب خون یا آب که بپنون نجس شده باشد مثل
خوردن عفو نیست با نماز گذار هر ذره خون اگر در آب کمتر از کمر برسد دفعه نجس میشود
هر چه شد نجس شده و کوی کل بر آن باشد زیرا آب که با جان می بریزد که آب در آن نفوذ کند
دو مرتبه بنا بر احتیاط و مضایق شود آن آب پاک میشود **مسئله** هر گاه تنک یا نبات
مثلاً ظاهر آن نجس شود پاک میشود اگر چه با بقیلیم بشویند **مسئله** ابله مال هر گاه بر کرد
و تغییر بر تنک و بوی مزه نجاست نداشتند باشد و خورده نجاسته دان نباشد نجس نیست
پس ناقص وضو هم نخواهد بود **مسئله** دست غسل منده میت بعد از غسل
بالتبع پاک است هر گاه چو کوی را من باشد و شکر از آن نجاست کند دست کوی پاک شد

در وضو است

یا ولین در یک طرف مشغول بخوردن طعام تا بشند با طوطی بر سر هر مخلوم بپهارت است خود
 غیر تا احتیاط تضرع هر **سخت تر** خون کمتر از زهر که عفو است در لباس و بدن نیز عفو است
 هر دو چاه هرگاه نجس شود مثل ظرفهای دیگر است نظیر آن **سخت تر** نجس با نجس که آب در مغز است
 میرود که فشار بر عین دارد هرگاه و طوطی به نجاست سزایت کرده در آن خشت کشند و دفعه علی
 الاحوط و هر دفعه در آب گریه یا خارچه بریزد که آب سزایت کند در آن پاک میشود و اگر ظاهرش
 نجس شده باشد با آب قلیل هم پاک میشود با طرفش بجز سزایتستن بنا بر احتیاط **سخت تر**
 هر چیزی که فشار لازم دارد بسیار در مرتبه فشار میخورد تا بر احتیاط مگر بول که یک فشار
 کفایت میکند هرگاه در آب نجاست بالا آمد و آب او با طراف چاه و نجس بطاهر کردن و لو
 اطراف چاه پاک نمیشود و حکم بقیت ندارد **سخت تر** پای دندان که نجس شود پاک نشد **سخت تر**
 میشود نه غذا یک پای دندان باشد **فصل در مسائل و شرایط وضو است** هرگاه که شسته و آب
 موضع وضو با غسل روئیده باشد باید دست بجهت وضو با غسل کرد **سخت تر** که زیر ناخن واجب است
 از آن هرگاه ناخن را گرفته باشد **سخت تر** باید پاک کرد که آب بیشتر هرگز هرگاه در وضو دست
 تا محرم وضو بسازد مثلا مفصلیت کرده است اگر وضو آن باطل نیست **سخت تر** از انگشتها آنچه
 بار اصح میتوان کرد اگر چه انگشت کوچک باشد تا به بلند کعبه پاک کرد **سخت تر** استقیم ضربند
 هرگاه شخص بگردد دست صبح سر و هر دو پا را بگردد میتوان از احوط صبح سر و پای راست بدست
 راست و پای چپ بدست چپ است بلکه هر دو پا را هم میتوان صبح کرد **سخت تر** هرگاه ممکن شود
 کفش یا پوچوان را از پای بیرون آورد و اگر از اصح کنند اگر نجس نباشد لازم نیست موضع شستن
 و مسح خشک باشد بلکه شرط است که تر باشد موضع مسح زیاد بر تر است دست نباشد بلکه هرگاه
 که مایع است غالب باشد و مسح بان روی عمل آید هرگاه شخص ناده یا زخمی و بدن داشته باشد
 که بتوان آب بر او رساند و ممکن شود او را غسل یا وضو بجزیره واجب میشود اگر چه نجس باشد
 آب یا گرم کردن یا آب تمام و غیر آنها یا معین گرفتن باشد با وسعت وقت و هرگاه ترک کند
 غسل با وضو او تیمم تنها کند همیشه باطل است نماز و روزه است بان تیمم باطل است بلکه در
 بعضی صور کفار هم بر او واجب شود **سخت تر** هرگاه عند بر طرف شد وضو با غسل **سخت تر**

سخت تر
 اگر محتاج باشد
 باشد مشارک
 میرزا

سخت تر
 با احتیاط در حال
 ناردین باران
 میرزا

خلافت
 که از حد گذشته که در
 آن ایضا بگردد تا به
 همان وجهی که در
 آن است
 و هرگاه
 در وضو
 از آن

در وضو است

فایضه را مثل جهت عبادت بعد باید اعاده کند هرگاه در مقام تقیته نهانش و شخص
 صحیح باشد و بعد با الوقت صحیح بر آن مرتب شود صحیح است **مسئله** اگر شخص نماز قضا بر
 ذمه دارد و خواهد پیش از وقت وضو بنماید و بنای وقت آن ندانند دارد به نیت قریب یا
 بقصد بودن بر طهارت هرگاه شخص متصل بولش میپردازد برای هر نماز به وضو بنماید
 و بتعمیل شعول نماز شود و واجبست حفظ کند خود را بچیزی مثل کلبه که تجاوز نکند
 از آن کلبه بجای دیگر و از برای هر نماز به بدل کردن آن لازم نیست اگر چه احوطست و هرگاه
 در وقت معینه قطع میشود بولش نماز او در آن وقت بجا آورد و اگر آنرا اجتناب ممکن بود
 یک نماز کند باقل واجب بعد یک نماز دیگر بکند احتیاطا هر جا که بول خارج شود وضو بنماید
 از همانجا بگیرد و تمام کند اگر موجب عسر و حرج نشود و همچنین است بطون در آنجا که **مسئله**
 آنچه که غلظت اغلظ آن کند مثل آب شور است میتوان رفع حدث رخت هر دو بان کرد مادامی
 که از اطراف پرتن نرود **مسئله** غسل جنابت کفایت از غسل جمعه میکند نه قسمی که با قصد اغلظ
 باشد بلکه همین قدر بداند که انقضائش شرعا چنین است کفایت میکند و اگر ندانند کفایت نمیکند
 هرگاه بجهت معالجه مرضی مثلاد و آله مثل کثیر و نحو آن شخص بر سر انداخته باشد و چند
 روز هم باید باشد در وضو و غسل ترتیب بر روی از مسح کند تا بعد از بر طرف شدن عذر
 اعاده کند غسل و وضو را از برای نماز بعد علی الاحوط و نمازهای گذشته اش صحیح است
مسئله اگر بعد از وضو یا غسل طوبه مشبهه ببیند و بشکند او را که استبراء از بول یا
 منی کرده یا نه مطم خبر است و ناقص وضو و غسل است **مسئله** اگر هرگاه بشکند او را
 که وضو ساخته یا نه حدث است و اگر با وضو بوده و بشکند او را که حدث سر زده یا نه با وضو
 و اگر بقیه در وضو و حدث هر دو دارد و بشکند در تقدیم هر یک از دو حدث است **مسئله**
 وضو علی که از برای رفع حدث باشد مثل زیارت و تلاوت قرآن و بودن بر طهارت
 و غیر اینها نماز میتوان کرد بان وضو چه واجبه و چه مستحبه هرگاه در بین غسل
 حدث اصغر سر ندهد غسل را تمام کند و وضو بنماید از برای عبادت و احوط اعاده

مسئله
 سر او را باقل واجب
 نماز نماز است که
 اضطراب و عصبانیت
 تخفیف آن شد
 باشد میرزا

مسئله
 بعد از نماز در آنجا
 بجز بیل و وضو
 میرزا

مسئله
 فصل احوط
 داشته باشد
 علی الاحوط
 میرزا

در وقت نماز
 اگر در وقت نماز
 باشد

در تقییر است

غسل است قبل از وضو هرگاه شخص قصد تمام دادن اجرت تمام ایشم متعارف نداد
 و علم بر خراب بودن او هم ندارد و غسل کند غسلش باطل است اگر چه بعد هم او را از آن خبر کند
 هر چه در موضع مسح هم مثل موضع غسل است بجز بر طوطی به دست باید مسح کند بخلاف غسل
 که لازم نیست بر طوطی به دست باشد بلکه میشود که دست را مثل اجرت و صحیح در آن کشد
 و میشود تا جدید بنالد **مسئله** خون جروح و قرعی که نتوان شست اطرافش که با پوست
 بجهت وضو با غسل بشوید و چیزی باقی بر روی آن بگذارد و مسح کند و احتیاطاً تا تمیم هم نکند
 و نماز کند هرگاه آب تاسیخ شخص نباشد مثلاً نیت غسل کند و زیر آب رود کفایت میکند
 در غسل هرگاه شخص نذر کند که صد صلوات بفرستد با طهارت پیران وضو را بر نیت
 نذر واجب سازد هر نماز واجب هر عبادت دیگر را بان وضو میتوان ذکر کرد هرگاه شخص
 نیت کند که تا یک باطن دفاع را بجهت مقدمه ناید شست و زمان گذشت را نینداند که
 شسته شده باطن دفاع یا نه وضو و عبادت گذشت را صحیح است هرگاه رطوبت
 کت دست کفایت نکند مسح را از موضع دیگر بگیرد رطوبت را مسح کند و سر گرفتن وضو لازم
 نیت هر پیش از وقت وضو تمیماً مستحب است هرگاه بداند که اگر تاخیر کند نماز در او وقت
 یا از وقت پیشود و اگر صبر کند و بعد از دخول وقت وضو بسیار از احوط است **مسئله**
 هرگاه سهواً شخص ناب غصبه وضو ساخت صحیح است بلکه قیمت آب بر ذراتش تعلو میکند
 هر استنباط سنگ و شبنم آن باید عدد شمس باشد و هرگاه از سدر بر طرف شد زیاده کند
 نماز با طریقه شود **مسئله** خون بواسیر اگر مشتق دارد نظیرش عفو است مثل قروح و
 جروح هر شخص بعد از وضو با غسل فاعل در بدن ندید و مثل دارد که پیش بوده با بعد
 بهم رسیده شکل است بان غسل یا وضو کفایت میکند مگر آنکه مظنه حاصل کند که بعد شده
 هر یقین در وضو حدث و شاک در تقدیم هر یک اگر پیش از نماز است وضو باطل است و اگر
 در بین نماز است قطع کند وضو بسیار و اگر بعد از نماز است نماز گذشت صحیح است از برای نماز
 وضو بسیار در فضیلت است **تمیم** بلبا از غسل یا وضو در وضو بهر باید شد بنا بر احتیاط
 ضرورتی از برای پیشانی و چین و ابرو و اعلا احوط وضو در تمیم از برای پیشانی است

در تقییر است
 اگر وضو با طهارت پیران
 نماز با طریقه شود
 خون جروح و قرعی که نتوان شست
 با طهارت پیران وضو را بر نیت نذر
 واجب سازد هر نماز واجب هر عبادت
 دیگر را بان وضو میتوان ذکر کرد
 هرگاه شخص نیت کند که تا یک باطن
 دفاع را بجهت مقدمه ناید شست و
 زمان گذشت را نینداند که شسته
 شده باطن دفاع یا نه وضو و عبادت
 گذشت را صحیح است هرگاه رطوبت
 کت دست کفایت نکند مسح را از
 موضع دیگر بگیرد رطوبت را مسح
 کند و سر گرفتن وضو لازم نیت
 هر پیش از وقت وضو تمیماً مستحب
 است هرگاه بداند که اگر تاخیر کند
 نماز در او وقت یا از وقت پیشود
 و اگر صبر کند و بعد از دخول وقت
 وضو بسیار از احوط است
 هرگاه سهواً شخص ناب غصبه وضو
 ساخت صحیح است بلکه قیمت آب بر
 ذراتش تعلو میکند هر استنباط
 سنگ و شبنم آن باید عدد شمس
 باشد و هرگاه از سدر بر طرف شد
 زیاده کند نماز با طریقه شود
 خون بواسیر اگر مشتق دارد نظیرش
 عفو است مثل قروح و جروح هر شخص
 بعد از وضو با غسل فاعل در بدن
 ندید و مثل دارد که پیش بوده با
 بعد بهم رسیده شکل است بان
 غسل یا وضو کفایت میکند مگر آنکه
 مظنه حاصل کند که بعد شده هر
 یقین در وضو حدث و شاک در تقدیم
 هر یک اگر پیش از نماز است وضو باطل
 است و اگر در بین نماز است قطع کند
 وضو بسیار و اگر بعد از نماز است
 نماز گذشت صحیح است از برای نماز
 وضو بسیار در فضیلت است **تمیم**

در تیمم

هر گاه شخصی دستش غبار باشد برای تیمم معین نگردد بجای دست غبار و اگر ممکن
نشود بپاکست تیمم کند پشت دست صحیح را بر زمین بمالد و اگر از هر دو دست غبار باشد
پیشتر از زمین بکشد هر گاه اسباب وضو یا تیمم از خاک و نخوان ممکن نشود حتی بر خاک
افشانی حاصل شود بجهت وضویش یا برف مسح کند موضع وضو را و اول اینست که یک تیمم بر زمین
برف بکند و نماز کند و بعد وضو کند نماز هر گاه کسی در مکان غصبی حاکم کرده باشد
بناحق بقسم خاصه که بطور مختار نماز خواند نتواند بکند و آب و خاک هر دو غصب باشد حاکم
تیمم کند و نماز کند بجهت نماز چنانچه از غصب تصرف نکند و اگر بقسم خاصه حاکم شده
بطور مختار نماز کند و اما اگر کسی در مکان غصبی باشد و بتواند بیرون رود برود
در صیقل وقت و خاک تیمم کند اگر مکه بجهت تیمم نشود و الا نماز ساقط است بلی مستحب
در همان حالت راه رفتن نماز کند و بعد وضو کند و اگر پیش چیز تیمم میتوان کرد
خاک و زمین و رمل و سنگ و غیره و کل امثالها که ممکن شود باید بر خاک تیمم کند و بعد
زمین و بعد رمل و بعد سنگ و بعد غبار و اگر هر کل است اگر نتوان خشک کردن آن را
و بعد بر کعبه و اگر جایز است و باید آنچه تیمم بر آن میکند نجس و غصب و مضاف نباشد
و باید میان آنچه خورد دست و پیشانی باشد و موضع تیمم آن باشد و مکان غصبی که اجرامت و غبار
نباشد و خود مباشر باشد با قدرت و یانیت باشد تا آخر وقت بتربیه و هوالات تیمم و همچنین جمع نماید
باشد و پیش از وقت نباشد و در وقت هم باید بر طرف شدن عذر نباشد تیمم میان آنها و تیمم
و هر دو دست با هم باید زد و ابتدا با علی کند **مسئله** تیمم بنهار مختصر نیست و باید
نیست بلکه هر چه غبار خاله و آن باشد جایز است و باید غبار را جمع کند اگر ممکن شود
و الا بر همان چیز تیمم کند هر شخص یا تیمم بود که مغرب شد مثلا هر گاه بداند که تا آخر
وقت صبر کند عذرش بر طرف میشود باید صبر کند بعد از رفع عذر وضو نیاند یا غسل
کند **مسئله** تیمم با تمام مسح میشود که چهره و جبین و ظاهر کفها
بباطون کف هر شخص جنب یا حیض که تکلیف تیمم است هر گاه تیمم کند از برای نماز مثلا
مکت در مسجد نتواند کرد لکن اگر طوارق ترکست و چیزهای دیگر احوام بود بجا آید

مسئله اگر تو اند که باغانت
غیر تیمم بدستهاست
خود بکنند همین است
و اگر بکنند داشته
باشد اصلا طهری
میان تیمم بجا آید
و تیمم بجهت دست
بغیر و احوط در صورت
بغای فداغ تیمم
بضم ذریع است
میرزا
بضم ذریع است
میرزا
بضم ذریع است
میرزا
بضم ذریع است
میرزا

در قیامت

و سوره که سجده احوط و اولی ترک خواندن آنهاست هر سنگ اهلک پیش از پنجم نیم بر آن
 جایز است و هر سنگ و کلوخ چه مشک است هر گاه شخص در بین تیمم یا وضو مشاکی
 در اجزای آنند و بدانند که این وهم شیطانیت یا وسوسه است اعتنا نکنند **فصل در غسل**
 جنابت هر گاه مرگه مرض نباشد و در طوئه از خود بر بیدند که یکی از آن چهار علامت در
 او باشد که جهشده که شهوت و سستی بدن و کوشش و فرقیها است و علم بر نبودن باقیه ندارد
 غسل کند بجز اگر بگویم اما باشد و آن علامت نباشد لحوط اینست که غسل کند و بشکند و وضو
 بنازد و اقامه بر وضو ترا کافیت شهوت و سستی در آنچه بر روی آید هر گاه شخص در نماز
 خود بر بیدند و ندانند که جنب شده غسل کند و اعاده یا قضا کند تا از آن بقیه دارد یا
 جنابت شده و جو بان آنچه احتمال میدهد که با جنابت بوده احتیاطا اعاده یا قضا کند
 هر گاه شخص در طوئه در جاه خود بر بیدند و بقیه کند که جنابت غسل کند و اگر مظنه کند یا
 علم بقیه حاصل کند و نداند که پیش از غسل بوده یا بعد از غسل شده احتیاطا غسل کند
 بشکند بنا بر احوط و اولی و وضو بنازد از برای عبادت هر که و اعلی و موطن حیوان احتیاطا
 غسل کند و احوط و موطن میت غسل بر او واجبست بشکند بقیه هر در غسل بر وزن
 از آب بودن و عورت پوشیدن شرط صحیح غسل نیست اگر چه احوط است **مسئله هر گاه**
 دندان یا گوشت کنده شود مستحب آن موجب غسل نمیشود و غسل و دفن لازم ندارد بخلاف
 اعضا دیگر که از او جدا شود هر گاه روی زخم یا جیره را نتوان مسح کرد غسل با وضو
 بنازد و هر قدر که میت و اندام افتران شود بنا بر احتیاط تیمم غیر بکنند هر موی نازک
 در بدن احتیاطا بجهت غسل شسته شود و اگر بعد از غسل معلوم شود که آن شسته نشد
 احتیاطا غسل را اعاده کند هر گاه موضع غسل یا وضو را شخص بخیبید یا نیت و بعد از وضو
 یا غسل شک داشت که از آن کرده یا نه وضو و غسل صحیحست و از برای بطلان هر یک از این
 یا هر جایی که علم دارد که ماتوت شده بر طوئه انقضای نیت است که همین وضو یا غسل
 را اعاده کنند و اگر نماز هم کرده همین طهارت اعاده کند هر گاه شخص پیش از وضو
 غسل کرد بقصد واجب خواه عام باشد بوقت یا جاهل بحکم باشد یا مشکوک بوقت احتیاطا

سنگ که مثل سنگ
 اهداست
 میرزا

این احتیاط مخصوص
 باین صورت نیست
 بلکه در جمیع صور
 انقضای علامت ثابت
 است و ترک با این
 بنوع میرزا

بلکه بنا بر احوط
 میرزا

حتی تکلیف است
 چیزی بود و آن
 میرزا

در غسالت

اعادة غسل و نماز است اگر بجا آورده باشد نماز بر او اجرب و حوض باخو نینه کرد و با نماز
گند از غسل است مگر آنجا برینشود هر چه بر سر در او بر مثلاً در وضو و غسل وضو
نیست هر گاه نافع از وصول آب مطلق شود هر آب مشبه بقصبا یعنی یکانی از آب آن غصب است
مثلاً در یک مباح است و نمیدانند که کدام مباح است با هر چه با وضو و غسل نمیتوان کرد
اذا اگر از الوه نجاست کند یا میشود در کمر کار است وضو من است قیمه از او اگر شنبه نجاست
باشد در وضو استعمال کند یعنی که در وضو نشاند و اگر شنبه نجاست باشد در وضو
غسل اصلاً استعمال نمیتوان کرد اگر یکی از این دو آب مشبه بجا میبرد نجس میکنند

فصل در حال تخلی و اجابت عورت خود را از نامحرم پوشیدن و حرامت و پوش

پوشیدن نمودن بلکه در حال استنجاء و استبراء پس اجابت آنرا از جهت قبله و محرم بول دارد
دفعه با بدشت و اولی شهر دفعه است که چهر مرد و چهر زن و اگر مرد بعد از بول استبراء کرد
و کیفیت استبراء از بول است که شتر مرتبه از اصل مقعد تا پنج خید بنی را با انگشت بقوه مسح
کند و سه مرتبه از اینجا ناسرد کرد بول و انگشت یا زیاده مسح نماید و سه مرتبه سر عورت را نشانند
و اگر بعد از استبراء طهارت گرفت پس بطوری دید و ندانند که بول است یا چیزی دیگر یا که است وضو
و غسل نمیشکنند و زن اگر استبراء بول نکند یا بشود طوطش یا که است شکند نیست
هر فن اگر خوابید بید که غیب از او خارج بشده و بعد چیزی ندید یا غیب مرد از او خارج شود غسل
بر او واجب نیست مگر آنکه یقین کند که غیب خودش خارج شده اگر چه با احتلام باشد واجب است
غسل کند مسأله بی دخول تمام حشفه بدن و خروج غیب غسل بر هر دو واجب است
هر مرد بید که غیب از او خارج شده بول نکند و بعد از غسل بطوری مشبه برین دید یا بعد از غسل
و اگر ندید چیزی یا بول کرد غسل از غسل بعد از غسل بخت بر او نیست و اگر قبل از استبراء غسل
کرد بعد از آن بول کرد و شکل کند که چیزی از غیب یا بول غیب شده لحوط غسل است
فصل در احکام حیض و استحاضه و نفاس است هر علامت خون حیض که مریض است
و ناسوزش خارج میشود در اغلب اوقات و گاهی خلاف آنها میشود مسأله هر گاه ضعیف
دو مرتبه در اول ماه پنجر و در مثلاً خون بر بنید صاحب عاده عادیه و وقتش میشود و اگر

این غرض است
متعارف است
میرزا
اگر بگوید
کردن است
نیست از چیز
احیاناً با خورا
بحر الذوق نماید
میرزا
مسئله بی دخول تمام حشفه بدن و خروج غیب غسل بر هر دو واجب است
هر مرد بید که غیب از او خارج شده بول نکند و بعد از غسل بطوری مشبه برین دید یا بعد از غسل
و اگر ندید چیزی یا بول کرد غسل از غسل بعد از غسل بخت بر او نیست و اگر قبل از استبراء غسل
کرد بعد از آن بول کرد و شکل کند که چیزی از غیب یا بول غیب شده لحوط غسل است
فصل در احکام حیض و استحاضه و نفاس است هر علامت خون حیض که مریض است
و ناسوزش خارج میشود در اغلب اوقات و گاهی خلاف آنها میشود مسأله هر گاه ضعیف
دو مرتبه در اول ماه پنجر و در مثلاً خون بر بنید صاحب عاده عادیه و وقتش میشود و اگر

در حیض است

یک دفعه در اول ماه تا پنج روز و یک دفعه هفت روز مثلاً بر بیدار شدن صاحب عاده و قیبه
 است و پس اگر یک دفعه در اول ماه بر بیدار شدن پنج روز مثلاً او یک دفعه در آخر تا پنج روز
 این صاحب عاده عددی است و هرگاه عاده قرار گرفت و بعد تغییر یافت و غیر عادت اول
 قرار گرفت عاده بعد معتبر است نه اول هرگاه شک کند که خونت از او خارج شده یا نه حکم کند
 که خارج نشده هرگاه چیزی از او خارج شد شک دارد که خوشنت یا نه چیزی بر او نیست
 مادامی که علم بهم نرسد که بولت یا ضری یا کت هرگاه مخورن بجای مخورن بیدار و نذاند که از
 رحم آمده یا جای دیگر نجس است مگر غسل بر او نیست هر اگر خون مشبه بنفاس شود مثل آنکه
 چیزی بیرون آید و شک کند که انسان است یا بیدار است یا غیر آن حکم نجس میشود در صورت
 تحقق شرائط حیض خصوصاً اگر در ایام عادتش باشد هر خون قبل از نه ساعده حیض بدست
 استحاضه است اگر موجب غسل باشد چون بتکلیف دست غسل بر او واجب میشود بر اعیان
 هر اگر شک در بلوغ داشته باشد و خون بصفت حیض باشد و شرائط حیض و آن موجب بدست
 آن خون حیض است همین علامت سابق بلوغ است و اگر شک در ریاس داشته باشد و حکم نجس
 باشد و شرطش هر اگر خوشنت بیرون بیاید امتحان کند بچونیکه خواهد ذکر شد و اگر امتحان
 ممکن نباشد آنچه حال سابقش بوده عمل کند چه حیض چه قروح و چه استحاضه و اگر حال سابق
 معلوم نباشد بهتر احتیاط است باین نحو که آنچه بر جایست واجب است ترک آن انرا ترک کند
 و عمل مستحاضه را این پنج مورد و اگر با تمکن از اختیار شخص نکرده نماز کرد نمازش باطل است
 اگر چه معلوم شود که خون حیض نبوده مگر آنکه ترک اخبار بجهت نیت و غفلت و نحو آن باشد
 در این صورت بر فرضی که معلوم شود خون حیض نبوده نماز روزی اش صحیح است هر نابالغ
 حیض نشود و متصل باشد یا بفعله که اگر هر وقت پلید بود و لخطه صبر کند و بیرون آورد خون
 الوده نباشد اگر چه بیرون نیاید خون و اگر پاک باشد پلید حیض نیست هر شب اول و شب
 چهارم خارج از سه روز است و همچنین شب یازدهم هر خون حیض کمتر از سه روز یا از
 ده روز نمیشود و نفاس یک خطه میشود و زیاده از ده روز نمیشود و احتیاطاً غسل و اگر چه نذارد
 مگر هرگاه از سه روز متفرق در بین ده روز خون بر بیدار حیض نیست

در معیبه نوبت

هرگاه زکله ظاهر باشد از خون بر بیدند فاعلم نزد چهارم کفایت میکند و خایض بودن او و احوال
 عمل با حیثیاط است مگر آنکه آنروز فاشب خون باقی باشد هرگاه زن سه روز مستمر خون دید
 و قطع شد پیش از ده روز و زده هم باز بر بیدند و قطع شود تمام حیض است با ایام پاکتر هر
 هرگاه سه روز متصل خون دید و قطع شد بکر زده هم و باز بدهم باز خون دید این دو
 استخاضه است **مسئله** هرگاه ماهین دو خون که محکوم بحیض نباشد ده روز فاصله
 شود دویم را حیض بگر قرار دهد **مسئله** صاحب عادت و قیسه بجز در یک خون در وقت
 عاده ترك عبادت کند اگر چه بصفه حیض نباشد و اگر چه يك روز یا دو روز پیش از عاده
 هم باشد مگر آنکه یقین کند که حیض نیست هر روزات عاده عددیة فقط در ترك عبادت
 بجز دیدن خون خلافست احوط جمع میان افعال استخاضه است و ترك حیض تا مگر این شود
 چنانچه سابق اشاره شد احوط صاهرگاه بصفت حیض نباشد مگر آنکه یقین کند که حیض
مسئله هرگاه خون از عادت بگذرد تاده روز صبر کند تا معلوم شود یا که نیست و
 اگر بعد از یک روز یا دو روز که صبر کرد بعد عبادت کند **مسئله** استخاضه هرگاه
 بغير متعارف مذکور پیش از عادت خون بر بیدند و بصفه حیض داشته باشد ترك عبادت کند
 و اگر بصفه حیض نباشد احوط جمع است میان ترك حیض و افعال استخاضه تا معلوم شود
 و همچنین است زکله که عادتش قرار نگرفته یا مبتدا است **مسئله** هرگاه از سه روز زکله
 خون قطع شد و بعد از سه روز مستمر بیدد و نیم حیض است و اول استخاضه اگر چه دو روز یا
 عادت قسم بوده باشد و ثانی در غیر زمان عادت هرگاه پیش از عادت خون دید و از
 عادت گذشت و بعد هم دید و تمام از ده گذشت طرفین عادت استخاضه است و عادت حیض
 او است **مسئله** صاحب عاده ده روز هرگاه پیش از عادت خون دید و از ده گذشت
 همان قدر پیش از استخاضه قرار دهد و عادتش را حیض **مسئله** هرگاه در اول احوط
 عادت خون دید و تمام با ظاهرش از ده روز بجا نرسد است هر یک که بصفه و شرایط حیض بود
 حیض قرار دهد هرگاه صد و شصت بود اول حیض قرار دهد و آخرش استخاضه
 هر صاحب عاده عدد هرگاه پیش از ده بگذرد و تیز شود و افق عاده باشد همان را حیض

در حیض است

حساب کند و اگر کمتر باشد عدد را تمام کند بغیر تمیز و اگر زیاد تر باشد از پیرا استخاضه
 حساب کند و احوط جمع است و از پیرا که اصل او تمیز ندارد اول خون عددش را حیض قرار
 دهد و هرگاه بنا بر احوط و احوط دیگر جمع است میان تریک و حیض و افعال استخاضه هرگاه
 صاحب عادت و قیته از ده بگذرد خوشش رجوع بعادت و ناز خویشانش کند و اگر ممکن نباشد
 روز قرار دهد مگر آنکه بقیه کند که حیضش بدو روز نرسد و هر قدر بیاکری بقیه بخلافش
 ندارد انقدر از حیض قرار دهد و قیته را استخاضه هرگاه عادت و قیته از ده بگذرد اما
 در عادتش خون صفت حیض ندارد و بعد صفت اثر از عادتش را حیض قرار دهد اگر چه
 بصفت حیض نباشد **مسئله** بر زدن واجب است استبراء رحم از خون ناخاطر جمع شود
 باین طریق که پنبه بردارد و قدی میزند و بعد بیدار شود اگر الوده نیت پاک است اگر
 چه مظنه عود را داشته باشد و اگر عادت عود دارد پیش از ده روز صبر کند تا پاک نیت
 اگر چه احوط غسل و عبادت است هرگاه در میان دو خون بصفت حیض ده روز تمام بصفت
 استخاضه بگذرد هر دو حیض است و از ده روز استخاضه است هر فرق نسبت میان خون حیض است
 و یا شرح بود نش بلکه هر دو صفت حیض است هر زنی که باید بعادت خویشانش رجوع کند هرگاه
 مختلف باشد خویشانش او غالباً اعتدالاً کند و هرگاه ممکن نشود اطلاع بجای خویشانش
 احوط است بروا بات هفت روز **مسئله** هرگاه عدد را بداند و زمان را فراموش
 کند عدد را در اول ماه قرار دهد بنا بر احوط هر چه حرام است بر حیض داخل شدن در هر عبادت
 که مشروط است بطهارت و صحیح نیست از او هر حرامت و طحی و قبل حیض با علم و موجب
 هر دو است بلکه حلال شمردن آن موجب کفر است علی المشهور و اما جواز طحی و در بر حیض اشکال
 است احوط اجتناب است هر کفاره و طحی و قبل حیض بر مرد است نه بر زن و در اول حیض
 غیر آنکه میخورد و در وسط آن نه بخورد و در آخر آن چهار نخورد و نیم طلا و معکول است
 اما قیمت هم کفایه میکند بنا بر اقوی هر قول زن در حیض بودن و پاک شدنش مسموع است
 هر بعد از و طحی هرگاه شخص خلاف اعتقادش ظاهر شد بازل یا وسط یا آخر حیض مدار
 بهر چه شخص است کرده است میباید همچنان بماند حره و امه بودن بجهت کفاره هر

در حیض است

کسیکه غایب از کفاره باشد انظار و سنت بکشد و بهتر در زمان عجز توبه است تا مسقط
 کفاره نیست علی الاحوط هر زن خایض مدخول بها و لو بد بر و شوهر حاضر یا در حکم حاضر باشد
 و حمل نداشته باشد طلاق از صحیح نیست هرگاه با اعتقاد خایض بودن طلاق داد بعد
 معلوم شد که پاک بوده صحیح است و عکس آن باطل است **مسئله** وضو ساختن پیش از
 غسل شرط نیست اما افضل بلکه احوط است غیر از غسل جنابت که با وضو جایز نیست هر
 هرگاه زن پاک شد پیش از غسل و طی با او جایز است تا اگر اهره و اگر فرج خود را بشوید
 کراهت کمتر میشود هر احوط بر حائض اگر نگویم اقوی قضاء نماز نیست که بنزد واجب شد
 همچنین روز معین که بنزد یا شب نذر بر او واجب شده باشد هرگاه از اول وقت نذر
 بقدر اقل افراد نماز از طهارت و غیره و اقل واجب نماز و مخیر میان قصر و اتمام بقدر قصر از اول
 وقت بگذرد و حائض شود قضا بر او واجب است هرگاه با اعتقاد آنکه بقدر پنج رکعت وقت
 باقی است از اول نماز ظهر را اگر بعد معلوم شود که وقت باقی نبوده باطل است نماز هر دو
 قضا کند تا فوراً واجب نیست اگر چه احوط است هرگاه اعتقاد داشت که وقت بقدر نماز
 دو بیت و نماز کرد بعد معلوم شد که بقدر نماز اول هم بوده نماز ظهر را در آن وقت بکند
 به قصد قربت نه متعرضاً اشد و نه قضا بنا بر احوط **مسئله** سنت است از برای خایض
 که در وقت نماز با وضو در موضع پاکی یا مکان نمازش بپوشد و مشغول شود بتسبیح **تعلیل**
 و حمد خداوند و صلوات و تسبیح اربع و تلاوت قرآن اگر چه در غیر این وقت کراهت دارد یعنی
 ثواب تلاوت کمتر میباشد هر مکره است از برای خایض ضایع کردن و قرآن هرگاه داشته باشد
 در احکام نفاس است هر ضعیفه بعد از وضع یا مسقط طفل اگر چه ضعیفه با علقه باشد تا ده
 روز خون به بیند و قطع شود نفاس است اگر چه کم و لحظه هم نباشد هرگز شک در ولادت آن
 نفاس نیست و فحش و تشخیص هم واجب نیست هر خون قبل از ولادت حیض میشود بدو شرط
 سه روز متوالی و دیگری تا نفاس ده روز فاصله نباشد و الا حیض نیست اگر بعد از دیدن
 خون نفاس ده روز بگذرد و بیاید که خون دیگر بی بشرائط حیض به بیند حیض است هر
 هرگاه در ابتداء خروج طفل خون خارج شود نفاس است اتمام طفل که تولد شد ابتداء

در نفاس است

ده روز نفاس است اگر چه بیرون آمدن طفل بطول انجام میدهد باشد هر گاه ضعیف بود و وقت تولد
 طفل خون دید پا که شد و روز دهم باز خون دید و پاک شد تمام ده روز نفاس بوده و هر گاه اول مثلاً
 خون ندید و روز پنجم دید و روز دهم قطع شد پنج روز اول پاک بوده و پنج روز آخر را نفاس
 کند هر گاه خون نفاس بعد از تولد تمام طفل ناده روز قطع شد نفاسش همان است و
 هر گاه از ده روز تجاوز کند غیر صاحب عاده عدیده روز یکبار نفاس است با صاحب عاده
 عده یکبار نفاس یکبار و احوط دیگر وقتها کردن نماز بعد از عادتش
 یکساعتش هر گاه خون نفاس در بین ده روز قطع شد و ضعیف غسل کرد و روزه گرفت
 در بین ده روز باز خون دید معین است بر او افطار خواه صاحب عاده باشد و قبل از انقضای
 عادتش باشد یا غیره از عاده باشد و اگر بعد از عادتش باشد احوط تمام صوم است
 و بعد قضا کند و همچنین است حکم نماز شب ^{علاوه} بر صومها و نفاس ده روز است اگر چه
 اولی رعایت احتیاط است تا هیچگاه روز جمیع نمودن احکام مستحاضه و نفاس هر گاه در
 دو طفل بزاید بعد از تولد طفل و تیم اول اعتبار ده روز نفاس آن طفل است و ممکن میشود
 که هر گاه زن سه طفل بزاید هر یک با فاصله ده روز نفاس وی روزی باشد ^{علاوه}
 اقل ایام طهر میان دو نفاس معتبر نیست هر گاه صاحب عاده هفت روز باشد مثلاً و بعد از
 تولد طفل خون نریدند تا هشتم و روز هشتم خون بر بیفتد تا دهم بگذرد آن زن از نفاس نیست
 بنا بر اقوی اگر چه احوط این است که هشتم و نهم و دهم آنچه نفاس باید ترک کند و آنچه
 مستحاضه را باید کرد عادت روزهاش را قضا بگیرد هر گاه صاحب عاده هفت روز بعد
 تولد خون نریدند تا روز چهارم و روز چهارم خون بر بیفتد و از ده بگذرد هفت روز و افطار
 قرار دهد بقیه استحاضه و همچنین هر گاه روز هفتم خون بر بیفتد و از ده روز بگذرد چنانچه
 روز نفاس است بقیه استحاضه است هر گاه هر گاه روز اول خون دید و قطع شد باز
 روز هفتم دید و از ده گذشت تا هفتم را نفاس هر روز و بقیه را استحاضه ^{علاوه}
 هر گاه روز اول خون دید و قطع شد و دیگر نکند تا هفتم عادتش گذشت و روز هشتم
 باز دید تا از ده گذشت همان روز اول نفاس هشتم با را بعد از استحاضه است و احوط

در استحاضه

این است که بعد از خادش نادره روزی احتیاطاً علیک در بر و ک حایض و عمل استیاضه معلوم
 شود که از ده روز میگذرد یا بده قطع خواهد شد هر دو جمیع صور لازم است از برای نفسا
 استبراه نامعلوم شود قطع شدن خون از باطن رحم و واجبست غسل از برای انقطاع حقیقه
 نفسا هر آنکه بر حایض حرام است بر نفسا هم حرام است از طهارت و متراکم است قرآن و غیره و عبادت
 و قرآنه سور عزائم و ملک در صاعده و بجمع نمودن طلاق و دخول مسجدین هر مکره است
 بزوجه ان از تمسک بدن از ناپهن ناف تا زانو و حساب و ملائمه قرآن مستحب است که نفسا
 در وقت نماز وضو سازد و مشغول ذکر شود مثل حایض فصل در احکام استحاضه است
 هر خون استیاضه در غالب اوقات فساد است و زرد و سبز و صفی و بیست خارج میشود
 بدون سوزش بخلاف حیض و بر سه قسم است قلیله و متوسطه و کثیره اما قلیله آنست که
 خون کمی پیشتر رسد که پیش از سور اخ نکند که فرود و متوسطه آنست که پیش از سور
 کند و فرود اگر چه از یکسور سور اخ کرده باشد و کثیره آنست که خون از پیش فرود
 و بگذرد و مقدار پیشتر و اشتر بقادق ز فاشت بنا بر اختلاف ایشان هر خون استیاضه
 همین که بیاید در باطن که قوت اندی بیرون آورد و ضعیفه مستحاضه هست هر که بیرون آید هر قسم چند
 کم باشد ناقص است هر گاه با خنثی او اختیار معلوم نشود غیر استیاضه ان استیاضه است اگر
 معلوم باشد یا معلوم شود بهمانا که هست علیکنند هر واجبست از برای هر غازی و نه خواه واجب
 و خواه مستحب یا تغییر پیش در صورت استمرار خون بیاید تا زانها احتیاطی و اجراء و تیسیر و مسجد است
 بوضوح اصل نماز از برای آنجا میتوان آورد هر گاه بعد از نماز صبح متوسطه شود از برای نماز ظهر
 و عصر یک غسل بکند احتیاطاً و اگر بعد از نماز عصر متوسطه شود از برای نماز مغرب و عشاء یک غسل
 احتیاطاً هر گاه کثیره یا متوسطه بعد از نماز قطع شود از برای نماز اینده اش غسل کند هر چه جایز است
 که مستحاضه کثیره زباده از دو نماز یک غسل بکند مثل ظهر و عصر و زانها مستحاضه است از برای
 هر نماز یک غسل هر گاه فاصله عمره نشود و الا واجبست غسل هر گاه فاصله شود پیشتر که در
 حکم نماز نباشد هر گاه بعد از شروع در غسل با وضو دیگر خون از ضعیفه خارج نشود
 تا خیر نماز با غسل با وضو ضرر ندارد اما امید که خون دیگر نیاید غسل در وضو نماز را

استیاضه از برای آنکه هر عملی
 که مستحب است مستحب است
 یا غیره بر نفسا
 میرزا

کلیتاً از این باب نظر اندازند
 و در صورتی که مستحاضه
 مانع از آن نیست
 میرزا

یعنی ما علی
 از سایر
 میرزا

تا ثباتی حاصل کند مستحاضه از آن
 مستحاضه است که تا بیاید از آنجا
 میرزا

در استحاضه

خون سابق لازم نیست **هر** اگر بعد از غسل و پیش از نماز خون استخوانه در ظاهر و باطن قطع شود
غسل رفع حد استحاضه میکند **هر** اگر در ظاهر قطع شود نه در باطن و زمان فرصت طهارت
و نماز نداشته باشد که خون در آن زمان از باطن نیز قطع شود لان استیغاده طهارت نماید
و اگر وقت تنگ باشد برای چیزی نیست و نماز میکند و همچنین اگر شک دارد در وقت
و تنگی آن اگر چه احتمال بدهد که در باطن رحم قطع شده است و اگر بعد معلوم شود که در
باطن قطع شده بود اعاده طهارت و نماز میکند **هر** گاه در اثناء نماز خون منقطع شود تا علم
ببرو سعت وقت نماز را قطع کند و اعاده طهارت و نماز کند اگر چه لحوط تمام نماز و اعاده است
و همچنین اگر خون او را بگیرد بقدر اعاده طهارت و نماز **هر** اگر خون در اثناء نماز آرام
و نداشت که در باطن قطع شده بعد از نماز معلوم شد قطع شده بود اعاده طهارت و نماز
هر اگر زن یقین کند او را گرفتن خون زائد زمانی که کجاایش طهارت و نماز دارد واجب است
انتظار از زمان با امکان و عدم مشقت زیاد **هر** گاه استحاضه متوسطه رود حدیث
پیش از نماز مغرب و عشاء تا پیش از نماز صبح لزوم غسل از برای نماز صبح بلا اشکال است **هر** گاه
بعد از نماز صبح روی دهد و خون قطع شود از برای نماز ظهر لحوط غسل است **هر** واجب است که
ضعیفه حفظ کند خود را بقدر امکان که خون از او خارج نشود و اگر تقصیر کرد و خون در
بین نماز خارج شد اعاده نماز نماید بلکه بکیف هم بنا بر لحوط اگر نکوشیم اقوی و اگر چه غلبه
خارج شود ضرر ندارد **هر** گاه در بین نماز صبح قلیله متوسله شود نماز باطل است نباید
غسل کند و نماز را اعاده کند و اگر وقت تنگ نباشد تمیم کند **هر** گاه کثیره شود لازم است
بجدید غسل و وضو کند بجهت کثیره **هر** ضعیفه مستحاضه **هر** گاه غسل کند و وضو بپاید خون
از خون بشوید بنا بر احتیاط و طی با وضو ندارد **هر** گاه مستحاضه کثیره پیش از هر
نماز بخون او قطع شود باز به بندش بانه وقت پنج غسل بر او واجب میشود **هر** اگر زن
غسل حد اصغر کند عشاء تمام کند صحیح است **هر** لکن باید از جمیع عبادت مشروطه طهارت
وضو بپاید و اگر حدث اکبر باشد که همان حدث باشد که رفع آنرا میکند غسل اعاده کند
غیر از استحاضه که آمدن خون در اثناء غسل موجب اعاده آن نیست **فصل در احکام**

در احکام اموات

اموال است هر گاه غسل داده شود میت یا نماز کرده شود بجماعت بی اذن از دنیا باطلت
 و لازم است اعاده غسل و نماز هر چند بخت غسل و نماز و کفن و دفن مکمل باشد و میت
 وارثی بولایه او که بارشست که اول پدر و بعد مادر و بعد اولاد بالغ ذکور و بعد اولاد
 اناث و بعد جد و بعد جد و بعد برادر و بعد خواهر و بعد اعمام و احوال ذکورشان ^{میت}
 و بعد ولاء عتق و بعد ضامن جریره و بعد احوط خاک شریعت و بعد عدول مؤمنین از اما
 شوهر یا نسبت بزوجه دائمش مقدم است بر همه آنها اقاد و منقطع اشکال است در غایب احیاء
 مظلومیت و همچنین مالک بالنسبه بمملوکش مقدم است بر دیگران ^{میت} تا بعد غسل دهند میت
 مثل میت باشد و ذکور و اناث بودن مکرر محارم و طفل سه ساله ^{میت} و احببت غسل و این
 شیخه اثنته عشره و در حکم میت است سیندر جمیع احکام یا قطع کرده در آن سیندر باشد اما
 قطعه که در او استخوان نباشد چه از میت و چه از زنده جدا شده باشد نماز ندارد اگر چه
 در حکم میت است در سایر احکام و نماز بر قطعه جدا شده از زنده که با استخوان باشد
 احوط است و همچنین است طفلی که چها و فاهر شده هر گاه سقط شود مگر نماز که ندارد ^{میت}
 هر گاه طفل زنده باشد و شکم زن میت و نتوان او را سپردن آورد بهلوی چپ او را
 بشکافند و او را سپردن او را بپوشانند و اگر بدوزند بهتر است و دفن کنند هر گاه شکم در جانب
 راست او باشد شکافش چپ او را و احببت صبر کنند تا معلوم شود حال طفل ^{میت}
 واجب است غسل او در میت اول بایسد و بعد بایس قراح کفایت میکند
 این احوط است اگر چه جنب یا خایض هم باشد و میتوان میترا بطریق غسل از نماز غسل او را که
 احوط است ^{میت} **مسئله** هر گاه ممکن شود غسل یک تمیم بدل از سه غسل کفایت میکند
 و احوط است تمیم است ^{میت} **مسئله** مخلوط کردن سرد و کافور در آب زیادتی بقدریت
 که ابرامضلف نکند و در کمی بقدریت کفایت ^{میت} پیش از غسل شرط است تطهیر بدن میت
 هر گاه در بدن غسل یا بعد بجز شود بدن او غسل اعاده نمیشود و همچنین است اگر چه
 سر زنده او اگر چه حدیث اکبر باشد و واجب است از الله ان با امکان اگر چه در قبر ^{میت}
 باشد او را هر گاه آب کفایت از سه غسل نکند با آنچه ^{میت} بترتیب غسل دهند ^{میت}

کتاب احکام اموات

دیگر نیتیم بدل آن دهند و هرگاه سدا کافور ممکن نشود یا باغیا لصر بدل از سر تک غسل دهند
 با رعایت ترتیب نیت هرگاه میت حرم باشد واجبست عوض آب کافور یا باغیا لصر و با
 غسل دهند و ترک کافور در جنوطش کنند و همچنین بر او خاک خوشه بپاشند هرگاه هم چنین با
 محرمی از برای میت نباشد و ممکن نشود بدون لمس و نظار او را غسل دهند ساقط است غسل
 دادنش اگر ممکن باشد که غاسل در پس پرده مشاء کینه در دست کند و میت را غسل دهد
 کند علی الاحوط هر مکره است چیدن ناخن میت اگر چه بسیار بلند باشد و همچنین موهای او
 و هرگاه جدا شود از او واجبست که در کفن یا او دفن کنند و اگر استنکه از او هم غسل دهند
 هر کفن سه بار چهره واجبست پیراهن و لنگ و لقا که سر تا سر میگویند و پیراهن از شانه
 تا نصف ساق و لنگ میان ناف و ذات النوران بکمر سر تا سر بقدر یکد از طول بتواز نیست و از هر
 بر روی هم بیفتند و اگر سه بار چهره ممکن نشود هر چه ممکن شود بان اکتفا کنند اگر چه شش عورت
 باشد هر فایده کفر غصبه و بغض نباشد حریر پوست نباشد و مستحباتست که خوش قماش
 و صاحب قیمت نباشد و پایه از قدر واجب بدون اذن و ارث کبریا از مال صغیر بردارند
 هر جایز است و حال تعدد بلکه وجودش خالی از قوت نیست تکفین و سرعوت و متنجس و چیزهایی
 که جایز نبود در حال اخیان او که غصبه است بر سر چهره کفن را از اصل مال میت بر میدارند
 اگر چه مدیون هم باشد و کفن زن بر شوهر است اگر چه در عده و حقیقه هم باشد مگر شوهر فقیر
 باشد یا موفشان مفاران اتفاق افتد **مسئله** کفن مملوک یا مالک است مگر چیزی مانع از او
 آن او باشد و اینست بقدر ملکیت باطن عیباشد نه زاید بر آن **مسئله** استنکه بدل است و کافور
 و آب غسل واجبست بر کسیکه کفن بر او واجبست **مسئله** اقوی وجوب جنوط نمودن است بعد از
 غسل و پیش از تکفین مگر هر ایله که بعد از طواف بمبرد جایز است **مسئله** خاک تربت امام حیر
 یا جنوط فخلوط کردن مستحباتست بشرطیکه چیزی که هتک عورت میشود نریزد و هر چه در تربت
 با میت مستحب مؤکد است و نباید تیر باشد و واجبست که مادامی که تر هست میت را عذاب میکنند
 و از دخت خرافا و انار و بید و غیر اینها خوشبوست و تربت شهادتین بر او بنویسند **مسئله**
 جایز است جماعت بردن آب مخصوص و در وقتی منافذ بعبید باشد یا در وقتش بدن آن

در نماز میت

شفته باشد بر خا مین او هر نماز را اجبت بر شیعه اثنی عشره بواجب کفای می خوانند
 که شش سال تمام کرده باشد و کمتر از شش سال است اگر زنده متولد شده و اگر مرد سقط
 شده احوط نماز نکردنست **مسئله** هرگاه یک نفر زن منصرف از میت نماز کند از
 دیگران ساقط میشود و در جماعت اگر خایض باشند بعضی زنان مستحب است که در صفی جدا
 بایستند **مسئله** در نماز میت شرط نیت طهارت از حدث و خبث و ستور عورت اگر چه ستر احوط
 است بلکه اولی رفع خبث است **مسئله** مستحب است نیت بجهت نماز میت اگر نجس باشد غسل کند یا
 وضو بماند **مسئله** شرایط نماز میت استقبال قبله است و قیام با تمکن و نیت و باید
 سرچنانه جانب استقام باشد و میت را بر پشت خوا بنشیند و با فاعر مکان و ترک ما حی
 صلوة و بیسپاد و از جنان نبودن و بعد از غسل و کفن و حوط بودن **مسئله** نماز
 موافق مشهور بهتر است پسند که بعد از تکبیر اول بگوید **اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
 و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق نبیا و نذیرا بین یدی الساعة الله اکبر**
**و بعد بگوید اللهم صل علی محمد و علی محمد و بارک علی محمد و آل محمد و آل محمد کافصل
 فاصلت و بارکت و ترخت علی ابرهیم و آل ابرهیم اقل حمید حمید و صل علی جمیع الانبیاء
 و المرسلین و الشهداء و الصدیقین و جمیع عباد الله الصالحین الله اکبر بعد بگوید اللهم
 اغفر للؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء و میتهم و الاموات تابع
 بئنا و بئناهم بالخیرات انک صیب الدعوات انک علی کل شیء قدیر الله اکبر بعد بگوید
 اللهم انک ارحم الراحمین و انک ارحم الراحمین و انک ارحم الراحمین و انک ارحم الراحمین
 انما الایام منیر الاخیر او انک اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فرد فی احسانه و ان کان
 مسیئا فحما و زعمه و اغفر له اللهم اجمله عندک و اعلا علیتین و اقل علی اهلک
 و العاجزین و ارحم الراحمین یا ارحم الراحمین الله اکبر **مسئله** ما اگر زن باشد ضمیرها
 که راجع بمیت است مؤنث بنا و رند اما اگر طفل مؤمن باشد زدهای آخر بگوید اللهم
 اجمله لا یؤبه و لنا سلفا و فرضا و اجر **مسئله** در نماز میت عدالت امام شرط
 باید قاموس بین امام را عادل بدانند **مسئله** بی ادن ولی بضرای هم مشکلت**

در نماز میت

نماز هر بعد از نماز واجب نماز بر میت است اما اول واجب نماز بر میت پنج تکبیر است بجماعه
 هم میسر آنکه در بعد از نیت و تکبیر میگویند اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول
 الله الله اكبر اللهم صل على محمد و آل محمد الله اكبر اللهم اعف عن المؤمنين و المؤمنات الله اكبر
 اللهم اعف عن هذا الميت و اكر من باشد اللهم اعف عن هذه الميتة الله اكبر كفاية میبندد **مسئله**
 مأموم بهتر تکبیر که رسید تکبیر بگوید و تکبیر اول خود قرار دهد و دعاء اول اللهم جنوا لذات **مخبر**
 دعاء دوم و تیم و ستم را و اگر ندکرم مشغول شود بعد از دعا تا امام تکبیر بگوید ضرر ندارد و حق
 از تکبیرات بخاند که میت را برد او ندکرم سه دعا بخواند بود غایب گو تکبیر را در **فصل**
 در احکام نماز است نماز واجب بازده قسم است نماز یومیه و نماز جمعه و نماز ایاز و نماز طواف
 و نماز عید است نماز استیجار و نماز والدین که بر پسر زکست و نماز نذر و نماز عهد و نماز پسر
 و نماز میت هر مقدما نماز شش است اول طهارت یعنی وضو و غسل و تیمم دوم از الله بخلت
 ستم ستر عورت چهار مرتبه وقت شناختن پنج مرتبه شناختن ششم مکان عصبه نباشد و چهار سجده
 پانز باشد و پشت و بلند نباشد مگر بکفرتن **هر وضو و شستن و دست بردن است**
 و شرا باشد وضو چهارده چیز است نیت و ترتیب و الاات و مباشرت با یعنی که مکلف میباید با
 قدرت خود وضو بسازد و باختر از وضو طهارت و اطلاق ان با یعنی که غصبه و نجس و مشبه
 نجس و نجس نباشد و مضاف هم نباشد و غسل استنجاء نباشد و خوف ضرر نباشد و مکان
 عصبه نباشد و موضع وضو پانز باشد و محل یعنی از وضو طرف ناب وضو اگر غیر استنجاء نباشد
 هر شرا یعنی غسل همچنین است مکمل الاات که نداد و ترتیب و غسل ان تمام نیت **فصل**
 در ستعورت کت هر مرد با بد عورت شرا پوشد و زن جمیع بدن را الا صورت و کفین و قدمین
 بلکه با راهم بنا بر اجوط پوشد هر نابد لبان و مصلی نجس نباشد غصبه و اجزاء حرام کوشد و مشبه
 نباشد و زبر کف از حی و بعضی و طلا باف نباشد و مشبه بجزر و طلا باف هم نباشد و مشبه بفضله
 مشبه بجزر هم نباشد با انحصار با یعنی که شبهه محصور نباشد هر وقت نماز چهار عنوان دارد و
 مختص و وقت مشرك و وقت فضیلت و وقت اجزاء هر مفارقات نماز بازده است قیام و نیت و
 تکبیر الاخر و قرائت و رکوع و سجود و تشهد و سلام و ذکر و ترتیب و الاات هر و کمال اجزاء

در احکام نماز است

نماز چهار است قیام و تکبیر الاحرام و رکوع و سجود و سجده از بکر گفت **فصل در احکام**
و شرایط نماز است هر جا هر حکم قبله نمازش با این و پیشا قبله هم واقف شود اعاده کند و اگر
در فایین نماز بعد از حوط است که تمام کند و بعد اعاده کند هر گاه شخص از نماز شک کند و تمام
هر دو قضا دارد اقامه کند کدام مقدم بوده هر گاه ممکن شود بقیه کند که ترتیب حاصل شود
و الا غیر است هر یک را که خواهد مقدم دارد هر گاه پیشانی بر چیز تکیه سجده بر آن صحیح است
و اگر گفت و می تواند هر مثل آن نزد پیشانی آورد و پیشانی او صل بان کند بکشد و در
رنگان قرار دهد یا چیزی کند هر شخص در حال قیام شك کند که شكنا نعم چه شكی بود پیشانی
هین حال نشخ کند اگر در هین حال هم حیرت است نمازش باطل است هر اگر شخص در سجده است
شک و شك در رکعت دارد و میداند که بعد از سجده معلوم میشود که رکعت چند است بقصد توبه
سجده ایجا آورد و سر بردارد تا معلوم شود اگر امام است ضرر ندارد و اگر منفرد است
اعتبار بان حال شک است در آن سجده پس ترتیب کند و اقامه هر گاه سجده کند بقصد توبه
احوط اعاده نماز است در صورت مفروضه تا موم تابع امام است هر شخص در حال رکوع
زیادتر از قدر رکوع خم شود ضرر ندارد **مسئله** هر گاه شخص قصد تسبیح اربع داشت سجده
چند باشد و عکس و ملتفت شد قطع کند و از سر گیرد در حد اربع تسبیح اربع را بخواند و بعد از نماز
احتیاطاً دو سجده سهو کند و اگر وقت برخواست نماز تسبیح در نظرش و عادتش نبود نماز
چند امام کند ضرر ندارد هر اذان و اقامه کرد در مسجد ساقط است سقوط عزیمت است
در مسجد که چند جماعت تسبیح یکدیگر میشود که امام را بترند و در گفتش ضرر ندارد هر
نماز قضا صور امام تمام نکرده دیگر چه از برای نماز بعد اقامه بگویند ضرر ندارد **مسئله**
هر گاه شخص سهواً نماز عشا را در وقت مشرک شرعاً و عکس پیش از نماز مغرب شك تسبیح
کرد و شك بود و بهتر کرد که نماز مغرب را نکرده اگر رکوع رسیده همان نماز را تمام کند
بقصد عشا و تلاذیش ایجا آورد بغير حکم شك مذکور عمل کند و بعد نماز مغرب را بکند
و اگر رکوع رسیده است فراموشند و تمام کند بغير احتیاطاً مغرب را اعاده کند
و بعد عشا را بکند **مسئله** هر کسی که در وقت قضا یا غیره از نماز کند او باشد نمازش

در احکام نماز است

صحیح است هر طوبیاتی حرام گوشت هرگاه در ایلمر ^{مصلی} خشک شده باشد احوط از آله اثر است
مسئله هرگاه ایبا نکور جوش آمده پیش از آنکه دو ثلث آن برود در ایلمر ^{مصلی}
 خشک شده باشد احتیاط در شستن آنست **هرگاه** شخص السلام علیکم را واجب قصد
 داشت و آخر قرار داد و تغییر را نفی کند بود ضرر ندارد **مسئله** هرگاه جاهل مقصر ^{مسئله}
 سلام را قصد واجب گفت احوط اینست که نماز را اعاده کند **هرگاه** سه سلام را داد
 و تعیین واجب را نکرد ضرر ندارد **هرگاه** در حال قیام یاد کرد یا فراموش است یا انگشته نما
 یا از امتلا حرکت دهد ضرر ندارد و احوط ترک است **هر نماز** میت هرگاه دعاستحتش غلط
 خوانده شود جملاً بقیه که بکلام ادیبین نرسد یا بعضی از آنرا بخواند ضرر ندارد یعنی
 باطل نمیشود **هر عمل نجاست** در دهان هم مثل ظاهر است از دو عهد و احوط اعاده نماز است
 نه از روی سهو و نسیان ^{مسئله} اما اگر از خود باطن باشد مثل خون خوردن ضرر ندارد **مسئله**
 عمل اجزای حرام گوشت و سینه نخج ^{مسئله} نماز باطل است بنا بر حیاط و سهواً ضرر ندارد **مسئله**
 زن در نماز محاذی مرد یا پیش از مرد باشد که نمازشان مقدار زیستن شود اگر چه محرم هم
 باشد احتیاطاً ترک و هرگاه اجاب در میان ایشان باشد که در هیچ حال یکدیگر را نبینند یا
 ده ذراع از هم دور باشند ضرر ندارد **هرگاه** شخص در بین نماز فهمید که سلام نماز سابق را
 نداده آن نماز را اقلع کند اگر بنا بر بعد از سلام سرزده سلام نماز سابق بقرابدهد و احتیاطاً
 سجده سهو بجا بیاید و احتیاطاً نماز سابق را بقرابدهد **مسئله** هرگاه کسی در نماز کذا را
 و نماز او پیشه باشد و سرانگشت شست در حال سجده بر زمین بگیرد ضرر ندارد **مسئله**
 هرگاه نماز معتاد بر ^{مسئله} شخص باشد نماز نافله را بر خود واجب کنند مشکل است هرگاه بر خود
 واجب کرد اجتناباً ^{مسئله} او در **مسئله** هرگاه همراه نماز کند یا در لباسش باشد ضرر ندارد
هرگاه پیش مثل لفظ هرزه خود نگاه دارد که صاحبش پیدا کند ضرر ندارد **مسئله**
 شخص عیبه قبل نماز کرد بعد معاوم شد که در بین مشرق یا مغرب بوده اگر وقتش در تحصیل
 علم نکرده بجهت قبله صحیح است نمازش ^{مسئله} شخص مذکور رجعت مثل الصریح المستقیم بکسرت بدو الفنا
 باعناً آنکه مضایق است اقوی اعاده نماز یا قضاء آنست چنانچه خود و جبر استیجاباً ^{مسئله}

در نماز مست

بعد از تمام کردن سوره قل هو الله احد سه مرتبه کذالك الله ولي كفن مستجاب است بلکه در مرتبه
 يك مرتبه هم وارد شده است **مسئله** در قرائت بقدر در و الف کفایت میکند و زیادتر بقدری
 که از حد قرائت بیرون نرود ضرر ندارد **مسئله** در غام یا تقنه یعنی بچپد صداد و خلیش
 در مثل اللهم صل علی محمد و آل محمد احوط است و اظهار تقوی بن محمد را اذن نمیدهند اما در وقت
 بر محمد صلح است **مسئله** دیوار یا سقف خانه هرگاه غصب نباشد نماز در آن خانه صحیح است اما فرش
 غصب در زمین بیاج نماز در آن باطل است اگر چه بواسطه باشد **مسئله** نماز وحشت در کعبه اول
 بجای آیه الکرسی سهواً اقل هو الله خواندن نوراً منقش شد آیه الکرسی بخواند و هرگاه در کعبه نش
 بعد بخاطرش آمد آن نماز را اعاده کند و آیه الکرسی تا هم در آنها خال دونست بنا بر احتیاط
مسئله اگر اصل نماز وحشت افراموش کرد بولش را با صاحبش رد کند و اگر ممکن نشود از
 بر او صاحبش بصدق بفقرا دهد **مسئله** عدول نماز سابق با حق جایز نیست و لا حق بنا بر
 جایز است بلکه بعضی جاها واجبست و اگر سهواً شروع بنماز عشا کرد پیش از او کردن مغرب در
 وقت چهارم هنوز شروع نرفته متذکر شد منهدم سازد و کفر او عدول کند مغرب و اگر وقت
 مختص مغرب بوده بعد از اتمام احوط اینست که اعاده کند مغرب را و اما اگر بر اوج رسیده
 باشد همان نماز عشا را تمام کند بعد مغرب اینجا آورد بلیه اگر وقت مختص نماز مغرب بوده
 احتیاطاً سیاید بعد از مغرب اعاده کند عشا را و همچنین عدول عصر را بظهر در وقت مختص
 بظهر اعاده کند ظهر را **مسئله** هرگاه شخص قنوت افراموش کرد و بر اوج رفت بعد از شروع
 بخواند سجده رود و اگر آنهم فراموش کرد بعد از نماز قضایش بخواند هرگاه بعد از نماز فرود
 کند نماز احتیاطاً او بنماز بعد مشغول شد برین نماز بخاطرش آمد نماز را قطع کند و نماز
 احتیاطاً اینجا آورد و اصل نماز را هم اعاده کند بنا بر احتیاط **مسئله** اقوال مستحبه هرگاه
 عدل او احتیاطاً بطلانید بقصد خصوصیت بجا آورد احتیاطاً آن نماز را اعاده کند
مسئله نماز در زمین و فرش و لباس غصیل از روی ذینا و جمل بوضوح که غصب بودن باشد
 صحیح است **مسئله** هر چه رسید به احتیاط بلند شد اگر میتواند نگاه دارد و سجده اول حساب کند
 و راست بنشیند و بعد سجده دوم برود و اگر در باره بر مهری اختیار قرار گرفت ذکی

در احکام نماز است

بجده را تیره الى الله بگوید و سجده آن حساب نکند هرگاه که در آنجا رکوع و صلوات بخواند در آن کار
 همه اش ساقط است و هرگاه بوقت بجز آنست ثابت بگذارد هم چنین الحمد لله و انما نکتیره الاصل
 پس چه باور و حال نکند تا هرگاه اش ساقط شود هر نامطالبه و قدرت بر اداء دین واجب
 فوریت اداء آن را کند و اگر نداند و اصرار نکند طلبکار را و در اینجا نماز کرد و بعد از آن طلبکار
 یا اداء آن بجز نماز در وسعت وقت کرده قضای آنست بر احتیاط هم چیز است در اداء آن کردن
 خمس و زکوة هم هر اسم بی غیر صد ششصد فور اصلوات فرستادن مستحب است اگر چه در نماز هم نام
 هر جواب سلام طفل میزد و نماز واجب است **مسئله** سلام کننده سلام تنها اگر کلیت
 که خیر را تقدیر کند جزوا اذین واجب است و کفایت میکند سلام علیه **مسئله** دعا بفارسی کمتر
 در نماز احتیاطا کمتر کند **مسئله** در نماز چه چیز قرآن است خواندن بتبر احتیاطا اگر چه
 نامحرهم نشود صوت از **مسئله** هرگاه حوزی از قرآن اثر غلط گفته باشد کلمه را انما ده
 کند اگر این ولام نماند و اگر در کلمه پیش آنرا بگیرد و مراد از این عبارت است **مسئله** اگر کلمه
 با الف ولام اعاده کند هرگاه در بین نماز مایض التجود علیه کم شد اگر وقت وسعت در آن
 قطع کند نماز را و الا بجزه کند بر ثوب پذیر یا گمان و اگر نباشد بر معادن مثل عقیق و فیروزه
 و مانند آنها و اگر نباشد بر پشت دست بجزه کند **مسئله** هر عمل بجز در نماز احتیاطا است اما بجز
 حرام گوشت فتوی بر اجتناب است و عمل از جهل یا سهوی یا بقرا موشی ضرر ندارد و بیله اگر در
 بین نماز متذکر شود از خود دور کند و نماز را تمام کند **مسئله** نجاست در نماز
 اگر تراش شده باشد یا تمام شود اعاده یا قضای آنست و اگر در بین نماز نجاست باشد
 قطع کند نماز را در وسعت وقت و اگر وقت تنگ باشد از خود دور کند و الا بهمان حال
 نماز را تمام کند و احتیاطا در قضای آنست **مسئله** اگر در بین نماز عالم شد که نجاست پیش
 از نماز بوده یا وسعت وقت قطع کند و اگر در بین نماز قطع شده باشد و سبق اندیشنا
 نماز از خود دور کند و تمام کند و اگر متیقنا قطع کند نماز را و در ضیق وقت بستم
 مذکور تمام کند و اگر بعد از نماز عالم شود نجاست نمازش صحیح است و اولی اعاده
 است در وسعت وقت **مسئله** باید سر انگشت بزرگ را در سجده بر زمین رسد

در نماز
 اگر در وقت
 اگر در وقت
 اگر در وقت
 اگر در وقت
 اگر در وقت
 اگر در وقت
 اگر در وقت
 اگر در وقت
 اگر در وقت
 اگر در وقت

در ساق
 حکم با جناب
 ذکر خدا احتیاط
 و عمل احتیاط
 جایست که صدق
 نکند نماز در آن
 جهل پس اگر صدق
 کند نماز باطل است
 میرزا

در احکام نماز است

و کوشتا اگر زیاده از ناخن باشد ضرر ندارد و سرانگشت را بر زمین گذارد و اگر ناخن زیاد از کوشتا باشد احتیاط بگیرند آن را از برای هیچ بلندند ناخن ضرر ندارد اما از برای غسل اگر چه در زیر آن باشد ضرر ندارد **مسئله** نماز کوشتا سرانگشت است و بکار انگشت بالا بری ضرر ندارد و احوط دارد و باره روی انگشت نماز است کشیدن است بر روی تسبیح پنجه بحد صحیح است هر گاه پیشانی به سر رسیده مظنه کرد که طایفه بعد از کوشتا را بجا نیاورد بر کرد بجا آورد بعد بحد رود و همچنین هر گاه شک داشتند باشد احتیاطا بر کرد هر شخص نماز قضا یقین کند بر نه کرده دارد نماز مستحبه را ترک کند بنا بر احتیاط اگر چه بنا اختیار در حالت راه رفتن یا نشسته نایسوانه باشد **مسئله** اگر روزه و امیت شخص بر زخم دارد روزه مستحبه را نگیرد اگر چه در سفر باشد یا آنکه بعد از زوال نیت کند **فصل** در عدولست نماز ظهر بصر و مغرب عشا و مختصه عصر بظهر و مختصه عشا بظهر و قضا با آن است و قضا که تر تپاید از نیت بقیه است مستحبه واجب و مستحبه مستحبه واجب مستحبه جایز نیت عدول است امکان آنکه خوانده در جماعت کند یا نماز ظهر جمعه یا نماز جمعه که میخواند سوره جمعه یا نماز قضا یا نماز نیت عدول است سوره دیگر بنا کردی میتوان عدول کند مستحبه واجب و مستحبه مستحبه مستحبه نماز فردی را بجماعت عدول نمیتوان کرد **مسئله** نماز عصر بظهر و عشا بظهر یا عشا بظهر و قضا که تر تپاید از نیت بقیه است سابق و جماعت فردی عدول میتوان کرد **مسئله** نماز که بود سه وادیک نیت ظهر کرد باطل است عدول نمیتوان کرد **مسئله** شخص است با قصد نماز معتبر خواه واجب و خواه مستحبه و سه وادیک نیت با نیت جاری شد که نماز دیگر چون ملانیت شد باکی نیست همان نماز نیت که قصد است در اول عدول نیت نیت **مسئله** اگر اول قصد نمازی کرد و تکبیر گفت و بعد بنیال نماز دیگری تمام کرد همان نماز که اول قصد داشت حائز است اگر بعد موافق باشد هر آنکه شستن در غیر دست و شستن آن ممنوع است بنا بر احتیاط از برای نماز گذار افاض و خنثی جایز است و احوط اعلیٰ که **مسئله** هر گاه شخص قصد نماز کرد اما بشود که از صورت نماز نیتش بعد از قرار گرفتن با قرآن نیت کرد در آن حالت خوانده قرآن الله اعاده کند ضرر ندارد هر قدر

بازمانده
در نماز
مسئله

مسئله اگر هر روز
مستوفی بجا آورد
نماز قضا باشد
بمقدار که از حد
مستحبه بپرسد
نماز مستحبه
روایت میتوان
بعل آورد و نماز
امتیحاری ظاهر
اینست که مثل نماز
فصلی و شریف است

میرزا
نماز است
بنا بر احتیاط
از عدول بخلقه

در نماز است

جهتی که از خدای کبریا بخواهد استخوانند می شود که صداد و خیر و برکت
 هر شری که بر این حکم تجاوز ویش ندارد که باید پاک باشد و بجز نماز و سجده و غیره
 در پیشگاه او برشته و جامه اش با عاری و اجاره گرفتن بدو نشسته است از خون
 انسان و حیوان حلال گوشت در جامه و بدن معتدله که از در هم معفو است هر چند غلظت هم
 داشته باشد اما اگر از جامه سرایت کرده هر طریقی را مستطاب او رو کند و از خون و غیره
 معتدله نشود و این باید در جامه لحوط اجتناب است هرگز که در رکوع و سجده هر گاه سه مرتبه
 بگوید یقین بگیرتبر و اجبارم نیست بقصد تیر کفایت میکند هر گاه مال را نماند از
 عین المال لباس بجز بند و پوششند و نماز کنند غصب است و نماز شان باطل است هر گاه
 نماز استیجاب و یا نذر و موثع بر فقه معتدله باشد نماز مستحبه را میتوان اندک کرد و در نماز مستحبه
 شخص نمیداند که رکعت سیم است یا آنکه سلام داده است و بخواست و نیز در کمال نماز بعد از
 است فرود نشیند و سلام نماز پیش را بدهد هر گاه شخص بداند یک پنج غصه در جامه اش
 هست و نماز کند باطل است هر گاه محمول غصه داشته باشد که بافعال نماز متعلق شود اگر
 یک سوزنی هم باشد نمازش باطل است هر گاه شخص بسجده رسیده و خواطرش آمد که از رکوع
 پیش بسجده و آنکه در رکوع این کمتر از فراموش کرده این سجده را از رکعت پیش قرار دهد
 و اگر هنوز بسجده نرسیده راست بنشیند اگر بعد از آن سجده راست نشسته و قیامت بگذرد و برود
 بسجده و بعد از نماز سجده سهو برای هر فیادنی احتیاطا بجا بیاورد **مسئله** چو را بی که نشا
 باز اینو نشانند چه مرد و چه زن نماز بران نکنند بنا بر لحوط اگر چه چیزی بگری روی ان بنوشانند
 و هم چنین غیره و این حکم دارد **مسئله** نماز مستحبه هر گاه طمانینه و شرایطش را از روی
 مسامحه یا عمد بجا بیاورد باطل است **مسئله** هر گاه بدین که شخص طمانینه و شرایط نماز را
 درست بجا نیاورد اگر جاهل است و اجنبیت او را ارشاد کند و اگر عالم است باید او را
 معرّف کنی تا بشرایط هر وطن فعلی زیاده از وطن مشکل است هر گاه بگری کند شخص
 از وطن و دیگر قصدش گناه ماندن در آنجا نداشته باشد و ملکی داشته باشد و بخواهد
 احتیاطا نمازش جمع کند مگر آنکه قصد اقامه کند **مسئله** نماز غفیل بعد از نماز مغرب

در نماز است

بمقتصد در گفت نافله مغرب میخواند هرگاه شخصی نماز قصر بقصد از ابدان نسلو ببرد
 که قضا بوده است صحیح است اما اینست که در وقت قضا اگر ابعالی آورد و همچنین است
 عکس هرگاه مقام تقیته نباشد شخصی میتواند بر او و یا سجده کند یا اس از وضو باید بگذرد
 کند بر آن و همچنین است منوع بقیته ساختن در وقت هرگاه شخصی نافله صبح را
 نکرده نماز صبح را کرده و وقت نافله باقیست نافله را بقصد قریب مطابق بجا آورد
 ضرر ندارد و همچنین است نافله ظهر و عصر و هرگاه در وقت نماز باشد الحریف اغلط گفت
 سهواً ابدت تا رکوع غزفه ملانقت شد که الف و لام دارد از کلمه پیشترش بگیرد و اگر از کلمه
 پیشترش انکلیه میباشد که وصل شده باشد بکلمه که الف و لام دارد مثل المنضوی پس در صورت
 اعاده باید غیر از هم اعاده کند و بگوید غیر المنضوی و اگر انکلیه باعاده المنضوی و اگر در وقت
 یا اما بعدش بخواند بعد سجده سهواً بر او نیاید احتیاطاً بجا آورد هرگاه شك دارد
 که پیشتر کلمه بغیر و یا نه اول نماز ظهر یا بجا آورد اما در وقت غیر منقضی بجز اگر در نماز
 شك کند که آن نماز ظهر است یا عصر ظهر قرار دهد در سجده بعضی کف دست و بعضی انگشت
 بر زمین برسد و آیت میکند احوط تمام گفت گذاشتن است **مسئله** هر وقت قرائت و غیره را بخرج
 گفتن کفایت میکند و بجزو کمال گفتن لغو است هرگاه شخصی از وضو برادر و در گفتن
 داد بپایان و نماز عشا مشغول شد در وقت اول بخاطرش احتیاطاً تا او از کف دست
 مغرب قرار دهد و اگر در سوره باشد قطع کند و همان حد تکفایت تمام کند و اگر در وقت
 دویم باشد تا رکوع نرسیده فرو نشیند و تمام کند و اگر رکوع رسیده باطل است این نماز
 و آن گفته تمام را که ترک کرده بود بجا آورد و بعد از آن در هر صورتها اعاده نماز است
 بعد از آنکه بیکر گفت ناقصه بتبیینات اربع بجا آورد و سجده سهواً را بجهت سلامها بهیچ وجه
 نکند و همچنین ظهر و عصر را **مسئله** هرگاه شخصی پیشانیاش بمهتر رسیده بخاطر شرابند که
 رکوع را بجا نیاید آورده بر خیزد و راست بنشیند برود بر رکوع و بعد احتیاطاً نماز شرعاً اعاده
 و اگر در اثناء خم شدن رکوع را فراموش کند **مسئله** هرگاه بقدر چهار رکعت یا بیست
 وقت نماز یا آخر وقت پیشتر گفت بسوره الفاتحه مخصوص بعبادت بعد ظهر قضا کند و بعد

مسئله اگر کسی در وقت نماز در سجده سهواً برود و در وقت نماز باشد الحریف اغلط گفت سهواً ابدت تا رکوع غزفه ملانقت شد که الف و لام دارد از کلمه پیشترش بگیرد و اگر از کلمه پیشترش انکلیه میباشد که وصل شده باشد بکلمه که الف و لام دارد مثل المنضوی پس در صورت اعاده باید غیر از هم اعاده کند و بگوید غیر المنضوی و اگر انکلیه باعاده المنضوی و اگر در وقت یا اما بعدش بخواند بعد سجده سهواً بر او نیاید احتیاطاً بجا آورد هرگاه شك دارد که پیشتر کلمه بغیر و یا نه اول نماز ظهر یا بجا آورد اما در وقت غیر منقضی بجز اگر در نماز شك کند که آن نماز ظهر است یا عصر ظهر قرار دهد در سجده بعضی کف دست و بعضی انگشت بر زمین برسد و آیت میکند احوط تمام گفت گذاشتن است **مسئله** هر وقت قرائت و غیره را بخرج گفتن کفایت میکند و بجزو کمال گفتن لغو است هرگاه شخصی از وضو برادر و در گفتن داد بپایان و نماز عشا مشغول شد در وقت اول بخاطرش احتیاطاً تا او از کف دست مغرب قرار دهد و اگر در سوره باشد قطع کند و همان حد تکفایت تمام کند و اگر در وقت دویم باشد تا رکوع نرسیده فرو نشیند و تمام کند و اگر رکوع رسیده باطل است این نماز و آن گفته تمام را که ترک کرده بود بجا آورد و بعد از آن در هر صورتها اعاده نماز است بعد از آنکه بیکر گفت ناقصه بتبیینات اربع بجا آورد و سجده سهواً را بجهت سلامها بهیچ وجه نکند و همچنین ظهر و عصر را **مسئله** هرگاه شخصی پیشانیاش بمهتر رسیده بخاطر شرابند که رکوع را بجا نیاید آورده بر خیزد و راست بنشیند برود بر رکوع و بعد احتیاطاً نماز شرعاً اعاده و اگر در اثناء خم شدن رکوع را فراموش کند **مسئله** هرگاه بقدر چهار رکعت یا بیست وقت نماز یا آخر وقت پیشتر گفت بسوره الفاتحه مخصوص بعبادت بعد ظهر قضا کند و بعد

در وقت نماز اگر کسی در وقت نماز در سجده سهواً برود و در وقت نماز باشد الحریف اغلط گفت سهواً ابدت تا رکوع غزفه ملانقت شد که الف و لام دارد از کلمه پیشترش بگیرد و اگر از کلمه پیشترش انکلیه میباشد که وصل شده باشد بکلمه که الف و لام دارد مثل المنضوی پس در صورت اعاده باید غیر از هم اعاده کند و بگوید غیر المنضوی و اگر انکلیه باعاده المنضوی و اگر در وقت یا اما بعدش بخواند بعد سجده سهواً بر او نیاید احتیاطاً بجا آورد هرگاه شك دارد که پیشتر کلمه بغیر و یا نه اول نماز ظهر یا بجا آورد اما در وقت غیر منقضی بجز اگر در نماز شك کند که آن نماز ظهر است یا عصر ظهر قرار دهد در سجده بعضی کف دست و بعضی انگشت بر زمین برسد و آیت میکند احوط تمام گفت گذاشتن است **مسئله** هر وقت قرائت و غیره را بخرج گفتن کفایت میکند و بجزو کمال گفتن لغو است هرگاه شخصی از وضو برادر و در گفتن داد بپایان و نماز عشا مشغول شد در وقت اول بخاطرش احتیاطاً تا او از کف دست مغرب قرار دهد و اگر در سوره باشد قطع کند و همان حد تکفایت تمام کند و اگر در وقت دویم باشد تا رکوع نرسیده فرو نشیند و تمام کند و اگر رکوع رسیده باطل است این نماز و آن گفته تمام را که ترک کرده بود بجا آورد و بعد از آن در هر صورتها اعاده نماز است بعد از آنکه بیکر گفت ناقصه بتبیینات اربع بجا آورد و سجده سهواً را بجهت سلامها بهیچ وجه نکند و همچنین ظهر و عصر را **مسئله** هرگاه شخصی پیشانیاش بمهتر رسیده بخاطر شرابند که رکوع را بجا نیاید آورده بر خیزد و راست بنشیند برود بر رکوع و بعد احتیاطاً نماز شرعاً اعاده و اگر در اثناء خم شدن رکوع را فراموش کند **مسئله** هرگاه بقدر چهار رکعت یا بیست وقت نماز یا آخر وقت پیشتر گفت بسوره الفاتحه مخصوص بعبادت بعد ظهر قضا کند و بعد

در نماز است

عصر را هم احتیاطاً قضا کند هر شخص نماز شب را بخورد و اجب که پیش از نصف شب نیت کند
 کرد اگر چه هرگز نیت نکرده باشد و اگر چنان میدانست که وقت شکست نیت کرده
 و نماز کرد و بعد معذور شد که وقت با نیت احوط است که اعاده کند و اگر چنان وقت کرده
 بود صلا صبح شد باید دیگر اتمام کند با نیت هرگز با وضو هر چه در نماز بخیر و شیک
 چاره ندارد و بناچار حاضر است با همان لباس نماز کند هر قطع نماز به جهت دفع عینیت یا غنا
 یا حوائج دیگر جایز است و بجهت ضرورت کلیه فایده واجب است و بجهت ضرورت جزئی جایز است **مسئله**
 هرگاه شخص نیت کند که این نماز مغرب نیت یا عشا اگر کردی رکعت چهارم امت بر کوع نیت
 منهدم سازد و مغرب اتمام کند و الا همان عشا اتمام کند و احتیاطاً نماز دوم را اعاده کند
مسئله هرگاه کلمه مثلاً از حد یا سوره غلط خوانده شود و تکرار در تکرار در سوره شود
 انقدر تکرار کند تا بشک برسد تا نیت نکرده و اگر تکرار در سوره سواست نباشد
 با تمام کفا کند و بگذرد هر شخص که گوید و سجده کند و نیت نکرده بود در نماز
 امر که در سجده است ذکر سجده را بگوید و بعد در سجده سهواً احتیاطاً بجا بیاورد و هم چنین نیت
 در رکوع ذکر سجده گفتن را و اگر پیش غور بر نیت باشد بجا نیت سهواً نیت خواهد شد **مسئله**
 مسافر مثلاً هفت فرسخ رفت و یکروز و یکفرسخ برگشت و شب در آنجا ماند نماز شب را شکسته
 کند و اما اگر یک فرسخ برود و هفت فرسخ برگردد نیت کند **مسئله** هرگاه شخص اهل کلبه
 در شرایط و اجزاء طاعت نماز عمدتاً در عقاب مثل نازک الصلوات است تا در حکم نازک الصلوات
 نیت هرگاه شخص بعد از نماز شکند آورد که نیت کرده در بدو نیت بود شسته است یا نه
 نماز صحیح است زیرا نماز بعد از آنکه احوط و اولی است که آن نماز را اداء کند هر
 شخص عقب گویند رفت مثلاً به قصد صافه و تمام کرد نماز را در جائیکه قصد شسته است
 تا اجزای نماز تمام کند و نیت که روا نشود و مراجعت نکرده نیت کند و در مراجعت کتب
 از حد شخص هم شرط نیت **مسئله** هرگاه نیت کند که با نیت شخص احتیاطاً نماز شب را اعاده کند
 اگر وقت نماز بعد نیت نباشد اول نماز بعد از آنجا بیاورد و احتیاطاً از آنجا که اگر
 بعد از نیت وقت نباشد هر دو اداء کند هیچیز است نماز احتیاطاً از برای نیت هر

ع
 بعد از است
 نیت
 ع
 نیت
 ع
 اگر نماز مغرب کرده
 باطل است این نماز
 و سوره صوات است
 که نماز مغرب نیت
 پس نیت مغرب
 و سجده که بد کرده
 عمل میکند و اجزای
 با اعاده از ترک
 نیت نماید
 نیز را
 نماز شب را
 نیت کند

فرائض

شخص چنانچه نماز شرعی را باید اعاده کند با حیاط احد فتوی هرگاه عذر اعاده نکند تا اوست
 وقت و نماز بگذرد اینجا آورد بهر دو را اعاده کند بنا بر احتیاط **مسئله** در نماز اول
 ما موم و تمسید که امام بعضی از سوره که بنا داشت بخواند فراموش کند رکوع رفتن او
 فرادی کند و خود سوره بخواند و تمام کند **مسئله** ما موم در رکوع اول هر رکعت
 از دو رکعت نماز آیات با امام اگر برسد رکعت جماعت کرده و الا فلا **مسئله** پیش از هر
 رکوع و بعد از هر رکوع تکبیر مستحب است مگر بعد از رکوع پنج که مع الله با تکبیر مستحب است
 در نماز کبریا بر حضرت امام حسین علی اخبار ضرر ندارد اما با اخبار از جناح بیاید
 است مگر لیکن غیر سائر عورت هرگاه بجا خودش باشد و نجس باشد بنجاست غیر مستحب است
 نماز بان صحیح است هرگاه شخص دست بچسبده هنوز پیشانی بر زمین نهد که کبریا طحا این
 بعد از رکوع بجا آورده ام یا نه احتیاطا ترک کرد و بجا آورد **مسئله** هرگاه بعد از نماز
 دویم یقین کرد که یک رکعت از این دو نمازش کم شده و میداند از کدام نماز نهیست آن
 بعد از نماز دویم نماز بجا آورده باشد احتیاطا یک رکعت دیگر بقصد و الله بجا آورد
 و نماز اول اعاده کند **مسئله** بعد از نماز احتیاطا یقین کرد نقص نماز شرعی و مخالف است
 افاده است احتیاطا از نقص اینجا آورد و نماز شرعی اعاده کند **مسئله** ازان که در
 میان نماز ساقط است در صورت عدم فصله است و نافله کردن فصله است و ساقط
 نیست **مسئله** در آخر وقت اگر شخص وضو یا غسل کند یک رکعت نماز در رکعت اول
 تمام کند چنانکه باید وضو یا غسل کند یک رکعت اول کند **مسئله** در دویم نماز
 یقین کرد که یک سجده از رکعت پیش و در نوع این کثیر الله نکرده سکر بردارد و آن یک سجده را
 سجده پیش حساب کند بعد از نماز احتیاطا نماز را هم اعاده کند و سجده سهوا از برای هر دو نماز
 بجا آورد هرگاه شخص اجبر شود از برای نماز صیبت بشرط آنکه ازان و ائمه برای نماز
 برای هر نماز به بعضی از ائمه بجا آوردن باشد بجا آوردن بشرط احتیاطا دارد
 هرگاه شخص در رکعت چهارم یا پنجم یا ششم یا هفتم یا هشتم یا نهم یا دهم یا یازدهم یا بیستم
 شد قطعه کند چهارم او سیم یا چهارم یا پنجم یا ششم یا هفتم یا هشتم یا نهم یا دهم یا یازدهم یا بیستم

علی ایضا
 میرزا محمد باقر
 بعضی از ازان که در وقت نماز است
 این احتیاط است
 در وقت که تمام نماز
 مقدّم باشد
 این احتیاط است
 فتوی میرزا

کتاب التکبیر

بجای احتیاطا آورد هرگاه شخص بسم الله را بقصد سوره گفت سه و اسوره دیگری شرعاً
در بین ملتفت شد رجوع کند بآن سوره و اگر موالات بهم خورده بسم الله را در میان آورد
مسئله بدانند که موالات هر فعلی بالتبیین بخوان فعل است مثل تکبیر و حمد و سوره و
تشهد و سلام هرگاه نیاموالاتشان فو شود ضرر ندارد بشرط آنکه آن خلاف
فوالا اصل نماز که اگر هر قسم فو شود صحیح است و آنرا باطل میگویند و اما اگر مثلاً یک کلمه
مقدم بدارد بر دیگری نمازش باطل میشود **مسئله** نماز جمعه واجب است نه صیغه
و احوط جمع است **فصل** در نیت است هرگاه شخصی بداند که چه نماز است که اراده دارد
بجا آورد بقصد قرینه کفایت میکند و لازم بتفصیل اجراء نماز را بداند و تصور کند بلکه
کفایت میکند تصور اجزاء **مسئله** اگر شخص اصل نماز را قصد و اجبت کند و اجزا از آن فریاد
واجب یا مستحب آنرا بقصد قرینه بجای آورد ضرر ندارد هر اگر خوب هم نداند بعضی از افعال
صلوة را و هم او را تعلیم کند او مناعت کند صحیح است نمازش و نیت بلفظ او در جایز است
و احوط ترک است هر بقصد یا چه قبل از نماز و چه در بین نماز و چه در اجراء آن و چه در
ان و چه در واجبات و چه در اقوال مستحبه ان باطل است نماز اگر چه تابع قرینه باشد با
و اگر چه در اوصاف صلوة هم نباشد مثل در مسجد یا جماعت بودن هرگاه اصل قصد قرینه
باشد رد ذکر یا در قرائت مثلاً صدرا بلند کند بقصد تنبیه و اعلام غیر خصوصاً در جمعه
و جهان داشته باشد ضرر ندارد هر اگر در نماز مثلاً بر خیزد یا بنشیند چه در تعظیم چه در بقصد
اجزاء نماز باطل است **مسئله** بعد از نماز باطل نیت لکن حرام است هرگاه شخص قصد
کند قطع نماز را پیش از بجا آوردن فعلی از صلوة یا منافی آن قصدش بر رکعت نامزد
یا معلق کرد خروج نماز را با هر مثل آنکه اگر فلان آمد یا در زمان بعد نماز یا میاورد
و نمود کرد پیش از فعل منافی و بجا آوردن فعلی از نماز احتیاطاً بعد از نماز اعاده آن نماز کند
در هر حال در قیام است هر قیام واجب کند در دو جا می باشد یکی در حال تکبیر و الاحرام
و دیگری مستقل بر کوع و قیام واجب غیر از آن در هر جا می باشد و حال قرینه و بعد از کوع
و در حال التبیان اربع هر یک از آنها استخیره نماز که در حال قیام یا بجا آوردن قیامش

در قرائت

این سجده واجباً بعد از نماز است که در نماز ایستاده بخواند بعد از آنجا
 کند بعد از سجده کردن **سوره فاتحه** و شرح بگردد و آنچه از سوره فاتحه
 و بسم الله جزء سوره است هر سوره بر آنند و باید در حال اسم الله متعین باشد سوره و اگر
 متعبد و منظور شد باشد یا غیر سوره معین بخواند تا از شایسته باشد که سوره و اگر سوره
 دیگر شود کند چون شد که در هر دو اگر موالات باقیست همان سوره را بخواند و اگر
 دوباره بگوید بقصد هر سوره که میخواند بسم الله در بین سوره ملتفت شود تعیین کند که سوره
 در حال اسم الله است و فعلت ضرر ندارد تا بنام کند **سوره فاتحه** جایز است عدول از سوره
 بسوره تا از نصف گذشته مگر سوره حمد و توحید بسم الله در حال اضطراب مثل آنکه کلمه یا ایها
 که میتواند کند عدول از سوره حمد و توحید و منافقین هم میتوانند که بنا بر تفسیر که در
 در محل خود که واجب است بر هر چه خوانند حمد سوره در نماز صبح و در رکعت اول نماز
 و غیر آن در غیر آنها ایستاده خوانند چه در چیزین بلکه در نماز هر چه بطول است
 خوانند اگر چه تا آخر مصواتان باشند و تسبیح و تسبیح را هم باید ایستاده خوانند
 در نماز جماعت که باید بخوانند قرآنی او واجب است اخفات بخوانند که هر چه تپانند
سوره حمد هر چه ظاهر شدن صوت اگر چه دیگران بشوند یا تسبیح صوتی را و اگر شخص با
 حمد یا استخار اخلاق بخواند یا تسبیح یا از انعامه کند مگر کسیکه جاهل بحکم باشد از حضور
 نشو و نشسته بشو و ایستاده خوانند در ایستاده و استخار است بخوانند قرائت نماز حمد
 بسم الله حمد سوره در رکعت اول و عصر را هر دو در رکعت اول یا اگر گفت از شخص است
 در نماز خواندن تسبیحات اربع و حمدتها اما تسبیح افضل است سر سیر یا بخوندند تسبیحات
 و هر دو در هر دو که شرعی است و در هر دو تسبیح در حال انقوت نیست تسبیح تسبیح او که از
 تسبیح تسبیح شروع بحد کرده باشد یا تسبیح تسبیح کرد و در بیان جایز است عدول از تسبیح
 و احتیاطاً بعد از نماز در سجده و تسبیح او **فصل** در شرایط قرائت و سایر اجزای آن
 هر کسی که شخص اخلاق کند در صلوای هر چه یا حوک بنامه یا اعزالی باشد یا بلند کند خود را
 مثل آنکه از او بگوید یا الله صاوا سین بگوین یا حری و از غیر هر چه بگوید یا تو

در قرائت سوره فاتحه در هر رکعتی دو مرتبه بخواند
 و اگر در نماز است ایستاده خواند در هر رکعتی یک مرتبه
 و اگر در سجده خواند در هر سجده یک مرتبه
 و اگر در حال اضطراب خواند در هر حال یک مرتبه
 و اگر در حال انقوت خواند در هر حال یک مرتبه
 و اگر در حال انقوت خواند در هر حال یک مرتبه
 و اگر در حال انقوت خواند در هر حال یک مرتبه

در سجده است

باید کرد و اگر انهم ممکن شود لیکن معمولاً از بندگی گناکارانهم ممکن نشود بر همان مثل فرج و غیره
 و اگر انهم ممکن نشود بر پشت دست سجده کند هر گاه پیشانی بر زمین سجده بر آن صحیح نیست و باید
 بکشد بر ما یصح السجود علیه قراد هلا حیاطها ان نماز را تمام کند و اعاد کند و باید موضع سجده
 که موضع پیشانی پاک باشد بلکه مشبه نجس نباشد با انحصار و شش موضع دیگر بر زمین قرار دارند
 با جهه از اول ذکر واجب تا ذکر تمام شود هر موضع چه پیشانی که از کف دست بلندتر احتیاطاً
 و پشت از موضع ایستادن نباشد اما مواضع دیگر که در دست فراتر رود و کف دست نباشد است
 و بلندتر ضرر ندارد هر ذکر سجده مثل ذکر توحید مگر ذکر کبریا که سجده بر آن در اعلی
 و بجهه است **مسئله** اگر پیشانی بقدر متنی توان گذاشت بجهت حاجت و غیره کرد و بکند
 که اطراف پیشانی بر زمین برسد و اگر انهم ممکن نشود جبین را بگذارد و احوط مقدم و بیشتر
 جبین را استند و اگر انهم ممکن نشود زانو را بگذارد و اگر انهم ممکن نشود خم شود بقدر امکان
 و اگر ممکن نشود جای سجده را بلند کند و اگر ممکن نشود ایضا کند بر و اگر ممکن نشود ایضا کند بر
 احوط است که هر را بر پیشانی برساند با امکان بلکه شش موضع دیگر را هم هر یک که بتواند
 بر زمین برساند احوط است در نشستن بعد از سجده اول و قرار گرفتن واجب **فصل**
 در تشهد است هر ناید شهادتین را تمام بخواند با صلوات و شرايطش در قرآن گذشت بلیه باید
 با طمانینه باشد اول تا خوش و ترک اغماض نشستن کند بنا بر احتیاط **فصل** در سلام است
 هر بعد از السلام عليك که مستحب است اگر السلام علينا را میگویم تمام بگو که واجب است
 میشود و بعد گفتن السلام عليكم مستحب است و اگر السلام عليكم را میگویم تمام بگو احتیاطاً
 که واجب است میشود دیگر بعد از ان السلام علينا مستحب نیست **مسئله** است نماز زن
 در لباسی که زنی مؤمن است و چیزی مرد در لباسی که زنی زن است اگر چه پوشیدنش معصیت
 و احوط اجتناب است در نماز **مسئله** حل اجزاء حرام گوشت با نماز گذار اشکال است
 و پوست سگ آبی و قندس اگر در معرفت خمر نماید نشود اشکال است و در کلاه و عرقچین حرام
 و مثل آنها که ملبوس باشد نماز در آنها اشکال است هر استر جامه حرام باشد اشکال است
 و سیاق جامه از چهار انگشت **مسئله** اشکال است در وضو خوردن جامه اشکال است و آنها

در تشهد هم سجده
 بر پشت دست پاک
 چنانکه گذشت
 میرزا
 بلکه فتوی بر پشت
 میرزا
 لغوط در آنها نیز
 مرامات است
 میرزا
 از آن که در این باب
 منکر و کافر و غیره
 در تشهد است
 در تشهد مقدار
 بجان رجوع
 نباید میرزا

در اوقات نماز است

همه اشکالش از برای مردانست **مسئله** باید بیست محول بود در خواب یا ملصق بودن
 مثل کلاه و غیره که بر خنک پیسده باشد هرگاه شخصی در آن کلاه یا بر کلاه درخت مثل این باشد
 عورت را بیوشانند و نماز کند و اگر بنیاید چیزی را مگر کل کل را بر عورت نماید و نماز کند با رکوع
 و سجود یا امن از ناظر محترم و اگر بنیاید کل دست بر عورت نکند و در بنیای نماز کند اگر نگاه
 کننده نا محرم نباشد اما اگر باشد ناظر نا محرم نشسته نماز کند و از برای رکوع و سجود
 ایما کند و از برای سجود زیاد تر ایما کند بجهت اینکه عورتش ظاهر نشود و شش موضع ایما کند
 بر زمین برساند و جای سجده را بلند کند یا قدرت که پیشانی را برها بصحیح السجود علیه گذارد
مسئله اگر ایمن نیست از ناظر محترم و بنیاید کودکی پنهان شود در آن و مثل ایمن
 از ناظر نماز کند بلکه اگر بنیاید این یا اگر در سجده با قدرت عورت خود را در آن پنهان کند
 با رکوع و سجود اگر بتواند نماز کند و اگر نتواند یا ایما برای رکوع و سجود نماید **فصل**
 در اوقات نماز است هر وقت مختص نماز ظهر اول زوال است و زوال شناخته میشود
 نصب کردن سنجی بر زمین مثلا اگر سایه آن کم میشود ظهر نشده و اگر زیاد میشود ظهر شده
 الوقت بقدریکه نماز ظهر نشود مختص ظهر است و بقدریکه نماز عصر نشود تا مغرب مانند
 الوقت مختص نماز عصر است و در میان مشرکین هر اول وقت فضیلت نماز ظهر اول
 زوال است و آخر آن سایه که زیاد میشود از شاخص بقدر شاخص شود و از افضل است
 بجا آوردن نماز ظهر و وقتیکه سایه شاخص که مقدار قامت آدمی است زیاد شود مقدار
 دو قدم که سابع شاخص است که یک زراع میشود **مسئله** اول وقت فضیلت
 عصر اینست که سایه زاید از شاخص مثل شاخص شود بنابر احوط و آخرش اینست که سایه
 زاید دو مثل شاخص شود اگر چه قول است قول افضل نماز عصر در وقتیکه سایه شاخص
 از چهار قدم زیاد شود **مسئله** وقت آخر عصر دو وقت است یکی پیش از فضیلت
 و یکی بعد از فضیلتش تا آخر وقت و وقت آخر ظهر یک وقت است بعد از فضیلتش تا
 آخر وقتش **مسئله** وقت مختص مغرب اول مغرب است تا بقدریکه نماز مغرب نشود
 بعد مشرک میشود تا عشا تا بقدریکه نماز عشا مانده نصف شب شود آن وقت مختص

در اوقات نماز است هر وقت مختص نماز ظهر اول زوال است و زوال شناخته میشود نصب کردن سنجی بر زمین مثلا اگر سایه آن کم میشود ظهر نشده و اگر زیاد میشود ظهر شده الوقت بقدریکه نماز ظهر نشود مختص ظهر است و بقدریکه نماز عصر نشود تا مغرب مانند الوقت مختص نماز عصر است و در میان مشرکین هر اول وقت فضیلت نماز ظهر اول زوال است و آخر آن سایه که زیاد میشود از شاخص بقدر شاخص شود و از افضل است بجا آوردن نماز ظهر و وقتیکه سایه شاخص که مقدار قامت آدمی است زیاد شود مقدار دو قدم که سابع شاخص است که یک زراع میشود مسئله اول وقت فضیلت عصر اینست که سایه زاید از شاخص مثل شاخص شود بنابر احوط و آخرش اینست که سایه زاید دو مثل شاخص شود اگر چه قول است قول افضل نماز عصر در وقتیکه سایه شاخص از چهار قدم زیاد شود مسئله وقت آخر عصر دو وقت است یکی پیش از فضیلت و یکی بعد از فضیلتش تا آخر وقت و وقت آخر ظهر یک وقت است بعد از فضیلتش تا آخر وقتش مسئله وقت مختص مغرب اول مغرب است تا بقدریکه نماز مغرب نشود بعد مشرک میشود تا عشا تا بقدریکه نماز عشا مانده نصف شب شود آن وقت مختص

محل نماز است
میزبان

در اوقات نماز است

نماز عشا است بل از وقت اختیار است هر وقت اضطرار آن که بجهت عذر نباشد بقدر
 نماز عشا است تا طلوع صبح صاف و الوقت مختصر نماز عشا میشود هر وقت فضیلت مغرب
 اول مغرب است تا سرخ مغرب بر طرف شود و الوقت اول فضیلت نماز عشا است تا ثلث شب
 هر وقت اجزای مغرب یک وقت است بعد از فضیلتش تا آخر وقت هر وقت فضیلت صبح اول
 صبح صادق است تا سرخ مشرق ظاهر شود و بعد وقت اجزای شب است تا طلوع افتاب هر کس
 از برای هر نماز به مقدار یک رکعت از وقتش باقی باشد یا بدستغول شود بقصد ادا یا فرجه غلظت
مسئله باید دانست که عذر ندارد علم بوقت داشته باشد و مشغول نماز شوند
 یا عذر اقوانه انت بتهادت عدلین انکفا میتوان کرد و باذن مؤذن انکفا میتوان کرد اگر
 عادل و عارف بوقت هم نباشد هر صاحبنا عذر مثل کوری یا غیره یا آنکه مانع در هوا باشد
 مثل ابر بطنه میتوانند انکفا کرد اگر چه احوط و افضل تا خیریت تا علم حاصل شود و اگر ظاهر
 شود خطا شخص تمام نماز شد و غیر وقت شده اعاده کند و اگر چیزی از نماز شد در وقت شده
 اگر چه همین سلام واجب باشد صحیح است **مسئله** باشد بخل وقت بلکه ظن غیر معتبر
 و نیز بوقت نماز باطل است اگر چه بعضی نماز هم در وقت شده باشد و عاقل بر اعانت وقت
 که بعد از نماز ملتفت شود پس اگر تمام نماز شد در وقت واقع شد صحیح است و همچنین جاهل
 اگر بقصد قرینه نماز را بجا آورده باشد هر اگر در بین نماز بفرغد عاقل و وقت معلوم باشد
 بر او اعاده کند **مسئله** افضل است که هر فریضه را در اول وقت فضیلت آن بجا آورد
 مگر نماز عصر روز جمعه و روز عرفه که سبب است زود بعد از نماز ظهر بجا آورد و سبب است
 تا غیر نماز مغرب و نماز عشا تا حاجت بشمر رسد و یا بجهت کراهت یا در وقت دیگر تا حضور قبل طلوع
 و یا کسیکه منتظر جماعت نباشد یا صائمی که نفس نا آورد و نماز هم نباشد یا کسیکه دیگر آن
 منتظر او باشند یا مستحاضه کثیره که بپای غسل خود اعدد و نماز کند در وقت فضیلت
 یا مرتبه طفل بجهت شستن یک مرتبه جامه اش را در شبانه روزی یا کسیکه دفع بول
 و غایب کند یا کسیکه نماز قضاء دارد تا آخر وقت یا کسیکه نافرمانی است پس تا غیر
 اینها است **مسئله** کسیکه عذر دارد و با صدمه بگذرد عذر است و سبب

و وقت اول فضیلت نماز عشا است تا ثلث شب
 هر وقت اجزای مغرب یک وقت است بعد از فضیلتش تا آخر وقت
 هر وقت فضیلت صبح اول صبح صادق است تا سرخ مشرق ظاهر شود
 و بعد وقت اجزای شب است تا طلوع افتاب هر کس از برای هر نماز
 به مقدار یک رکعت از وقتش باقی باشد یا بدستغول شود بقصد ادا
 یا فرجه غلظت مثل ابر بطنه میتوانند انکفا کرد اگر چه احوط و افضل
 تا خیریت تا علم حاصل شود و اگر ظاهر شود خطا شخص تمام نماز
 شد و غیر وقت شده اعاده کند و اگر چیزی از نماز شد در وقت شده
 اگر چه همین سلام واجب باشد صحیح است مسئله باشد بخل وقت بلکه
 ظن غیر معتبر و نیز بوقت نماز باطل است اگر چه بعضی نماز هم در وقت
 شده باشد و عاقل بر اعانت وقت که بعد از نماز ملتفت شود پس اگر تمام
 نماز شد در وقت واقع شد صحیح است و همچنین جاهل اگر بقصد قرینه
 نماز را بجا آورده باشد هر اگر در بین نماز بفرغد عاقل و وقت معلوم
 باشد بر او اعاده کند مسئله افضل است که هر فریضه را در اول وقت
 فضیلت آن بجا آورد مگر نماز عصر روز جمعه و روز عرفه که سبب است
 زود بعد از نماز ظهر بجا آورد و سبب است تا غیر نماز مغرب و نماز عشا
 تا حاجت بشمر رسد و یا بجهت کراهت یا در وقت دیگر تا حضور قبل
 طلوع و یا کسیکه منتظر جماعت نباشد یا صائمی که نفس نا آورد و نماز
 هم نباشد یا کسیکه دیگر آن منتظر او باشند یا مستحاضه کثیره که بپای
 غسل خود اعدد و نماز کند در وقت فضیلت یا مرتبه طفل بجهت شستن
 یک مرتبه جامه اش را در شبانه روزی یا کسیکه دفع بول و غایب کند
 یا کسیکه نماز قضاء دارد تا آخر وقت یا کسیکه نافرمانی است پس تا غیر
 اینها است مسئله کسیکه عذر دارد و با صدمه بگذرد عذر است و سبب

در قبله است

است تاخیر نماز از اول وقت آن **فصل** در قبله است **مسئله** نماز بر صدق
استقبال قبله است پس ضرر ندارد بعضی اجزاء بلد بیرون باشد از جهت که منافی
با صدق استقبال نباشد از برای بید و از برای بید ایضا فادیه علم شد با استقبال
کفایت میکند مثل حجره که معصوم در آن نماز کرده باشد و علاوه بر آن که در شرع توان
داده شده است مثل جدکات که از اهل او اسطعراق مثل کوفه و بغداد و غیر اینها در
پشت منکب که میان کتف و کمرن است بر پشت گوش راست قرار دهند و شرعی عراق مثل
بصره در گوش راست و غیر عراق مثل موصل در میانه دو کتف و اهل شام پشت کتف چپ
نه منکب اهل عدن میانه دو چشم و اهل صنعاء در گوش راست و اهل حبشه که توبه نباشند
بجهد چپ بلاد مغرب بر گوش چپ قرار میدهند و سهیل بر عکس جهت میباشند و دیگر شهرست
برای اهل عراق که میل میکنند در وقت زوال بطرفه مانع از برای کسانی که جهت میان کتف
ایشان نباشد **مسئله** نا علم ممکن شود اعتماد بر افادات نکنند هر گاه ممکن شود علم
و افادات شرعی با جهت و جهت تمام عمل بطنه میکنند اگر چه بقول کافر هم حاصل شود و
اگر عدلین خبر بدهند و جهت خود شر خلاف باشد وجود و نماز کن در حال از قوت نیست
و اعتقاد کرده میشود بر قبله بلد مسلمین در صلوة ایشان و قبور و محرابهای ایشان عادی
که ندانند بتای قبله ایشان را بر خلاف **مسئله** هر گاه شخص نماز کرد بان جهت که قاصوبان
بود باعتبار مظنه یا تنگی وقت پس ظاهر شد خطا آن بعد از نماز اگر نماز پیش همین و یا
واقع شده صحیح است و اگر در بین نماز بیهوش میگردد بیگت قبله در حال سکوت و تمام میکند
نماز او همچنین است حکم ناسر و جاهل بحکم که قاصر نباشد اما اگر مقصر باشد احوط بلکه اقوی
لزوم اعاده است **مسئله** اگر بعد از فراغ معلوم شود پشت بعنبله بوده اعاده
یا قضا کنند و اگر تجاویز از مشرق یا مغرب بوده احتیاطاً قضا کند یا اعاده کند و همچنین
است حکم هر گاه ظاهر شود خطا مذکور در اثناء نماز **مسئله** هر گاه شخص احتیاطاً
کند با استقبال قبله عمدتاً او اجابت از سر گرفتن صلوة را در وقت و در خارج وقت
چید قاضی باشد ایضا و نیز و اگر صدق کند بر آن خروج از اسم استقبال است

این سخن از کتب معتبره است
در جهت استقبال
بناظر است
بسیار است
در جهت استقبال
بسیار است
در جهت استقبال
بسیار است
در جهت استقبال
بسیار است

کتاب فی بیان اوقات

هرگاه مالک مکتب در زمینش ایستد و وقت تنگ باشد شخص در حال بیرون رفتن
 از اقصی طرف نماز کند و اگر باز در مشغول نماز تنگ و بعد گفت بر وضو و عظیم با او
 بیرون تو واجبست بروی و در حال خروج نماز را تمام کن و اگر در وقت وقت باشد
 نماز کند هر اگر همچون میدانیست که را ضعیفست و مشغول نماز شدی بعد از آن که در وقت
 وسعت دارد نماز را قطع کن و برو و اگر در حال رفتن تمام کن و بعد استیفاء کن از احوط
 و اگر وقت منقطع است در حال بیرون رفتن تمام کن نماز **فصل** در منافقات نماز است
 و آن در اوزه چیز است حدت و تکفیر است و کلام و قهقهه و بکاء و ماحی الصلوة و کلام
 و شرب امین و شکر در رکعات و زیاد و نقصان کن مطم و غیر کن **مسئله** در
 هر چه ناقص ظاهر است **مسئله** تکفیر است بر دو قسم انداختن در نماز بعد و لغت **مسئله**
 استدلال بعد از او سهوا اگر چه با این بین و یا باشد و عجز نه نام چنین است یا بشکبه
 استدلال را تا بکن جبر یا سهوا یا با این مشرق و مغرب منحرف شود باطل نیست نماز **مسئله**
 کلام عمدی حرف معارضه است که در **مسئله** در همه خنده با صدالت و بصدام
 اگر حیسر کند در دل که تغییر بیاید احوالش **مسئله** کربیه است غیر کربیه که از خوف نار و شو
 جنت باشد عمدی او کرده بر سید الشهدا علیه لغتیا وضو نداشتند و یا اختیار در آن محل یا مال
 ماحی الصلوة عمدی او سهوا کردن عملی است که از صورت نماز گذار بیرون رود شخص **مسئله**
 اکل و شرب خوردن و آشامیدن **مسئله** این بعد از ولا الضالین گفتن امام است
 عمدی بلکه مطم در نماز ترک کند علی الاحوط **مسئله** شکر در رکعات ذکر خواندن شد زاید
 و نقصان چیزی از نماز که کردن و زیاد کردنت آثار زیاد کن عمدی او و واجب غیر
 و کن عمدی سهوا **فصل** در نماز ایات است **مسئله** ایات فیما بین نماز ایات است که
 نیت کند و تکبیر بگوید و حمد و سوره بخواند و رکوع رود بعد از ذکر رکوع راست شود باز
 حمد و سوره بخواند و سجده قنوت بخواند و رکوع رود و بعد از ذکر رکوع راست شود باز حمد
 و سوره بخواند و رکوع رود و چون راست شود باز حمد و سوره بخواند و رکوع رود بعد
 از راست شدن از رکوع پنجم سمع الله من جمیع شمس و در سجده و بعد از دو سجده

کتاب فی بیان اوقات
 از امامان اهل بیت علیهم السلام
 از کتب معتبره
 در بیان اوقات نماز
 و در بیان احوط
 و در بیان مستحب
 و در بیان مکروه
 و در بیان حرام
 و در بیان ایات
 و در بیان تکبیر
 و در بیان حمد
 و در بیان سوره
 و در بیان قنوت
 و در بیان سجده
 و در بیان رکوع
 و در بیان ایات
 و در بیان ایات
 و در بیان ایات

در نماز امانت

شود بقیام و رکعت دوم هم مثل رکعت اولست مگر قنوت که پیش از رکوع اول و ششم
 و پنجم مستجاب است و هم چنین سمیع الله بعد از رکوع پنجم و چهار خواندن قرآن و بیجا احتکاک
 مستجاب است **فصل در جماعه** است هر گاه شخص قضاء یقینیه دارد و میخواهد احتیاطا
 بیجا بیاید در جماعه قامو قامیتو انداخته ترک امامت احوط است هر گاه مأموم شیطیات
 اربعه مرتبه ناپنجوا نند و امام یک مرتبه بپنجوا نند افند با و نکند اگر امام سه مرتبه بپنجوا نند قریه
 الی الله اگر چه یک مرتبه را واجب بداند اگر اقتدا کند ضرر ندارد هر مأموم در رکعت چهارم
 مثلا بفهمد که در رکعت ستم فرادی شده بجهت فاصله شدن نمازش صحیح است احوط و اولی
 اعاده است **مسئله** هر گاه شخص نماز ظهر شروع بعضی امام اقتدا کند بقصد آنکه در
 دو رکعت الخ فرادی شود و نماز عصر هم با امام اقتدا کند ضرر ندارد **مسئله** هر گاه شخص
 ایستاده شد و ارد که قصد اقتدا کرده یا نه اگر ظاهر است بر احوط اقتدا مثل سکوت و غیره
 احتیاطا اینست که تا قصد فرادی کند و یا عدول مستحبه کند اگر قضا یقینیه ندارد تمام کند
 یا قطع کند مستحبه را پس از آن اقتدا کند هر گاه مأموم بعد از پیش از امام سر از رکوع یا
 سجود بردارد و باز برگردد بعد از بجهت متابعت نمازش باطل است بلکه در نیت بطلان
 اگر برگردد سهوا و زیادتی رکن شود **مسئله** اقوی استیناف نماز است در صورتیکه
 رکوع کند مأموم بعد از پیش از امام در حال نیتکه امام مشغول قرآن نباشد و همچنین اگر مأموم پیش
 از خواندن ذکر رکوع بعد از رکوع برگردد استیناف کند نماز را **مسئله** هر گاه نماز او در
 نیت از برای مأموم در نماز چهار تیره که صوت یا همه امام را میشود که سکوت در قرآن کند
 بلکه احوط از برای او اینست که ناچار نیند باشد در حال قرآن امام **مسئله** هر گاه شخص
 بداند که اگر اقتدا کند حمد را تمام نمیشود اندک در احوط اینست که صبر کند تا امام بر رکوع رود
 و او آخر رکوع امام تکبیر بگوید و بر رکوع رود هر گاه شخص در نماز ناقله باشد که جماعه
 برپا شود و برسد از فوت یک رکعت اول جماعت مستحب است از برای او قطع ناقله هر چند
 پیش از تکبیر گفتن امام نباشد هر دو بودن مأموم از صفی که میخواهد بعد از اقتدایان
 میسوق شود زیار از یک زرع شاه قبر بیاید باشد مأموم در بین قرآن امام بپنجوا نند

یعنی که اقتدا در
 آن نماز احوط است
 میرزا

بنا بر احوط اولی
 میرزا

عبدالله بن محمد باقر
 صاحب کتاب الفقه
 در بیان اینست که
 اگر مأموم پیش از
 امام سر بردارد
 و برگردد بعد از
 رکوع امام مستحب
 است که او نیز
 برگردد و اگر
 برگردد سهوا
 و زیادتی رکن
 نشود

در نماز است

فقد فرمودی کند شخص است تا بعد از آن سر بگردانند بقصد قریب یا بر احوط اگر چه امام در
سوره نباشد هر گاه امام تسبیح از تسبیح مرتبه میخواند اما مأموم میدانند که نمیتوانند
سر مرتبه بخوانند اذاعتدا کنند ضرر ندارد و زیاد تر از یک مرتبه تسبیح هر چه میرسد بخوانند بنا
بر احوط هر گاه امام که مشغول ناقله شده باشد از آن برای نماز شروع کند ضرر ندارد
هر گاه شخص ندانست که رکعت چند است اذاعتدا کرد و حمد و سوره واقعه را الله خواند
و رکعت ثانی در هیچ چیز فهمید حمد و سوره را خواند ضرر ندارد و اگر رکعت تمام شده بر کوع رفت
بعد معلوم شد که رکعت چهارم بوده احتیاطاً نماز را اعاده کند بعد از امام هر چه عدل
و احد یا غیره هر گاه علم بعد از آن شخص حاصل شود خوب است و بخیر عدلین با اذاعتدا کردن جمیع
از منتهین که از احوال ایشان ناخبر باشد و مطمئن باشد بایشان که ظن بعد از آن امام حاصل شود
به خوب است مستطاب هر گاه قسمه شود از برای امام که باید بعد نماز شرعاً احتیاطاً اعاده کند
از برای مأمومین باین نسبت و اعلام کردن امام ایشان را هم لازم نیست **مسئله**
هر گاه امام رکوع رفت و مأموم در تسبیح اربع است و زیاده از یک مرتبه انقدر بخواند که تا امام
رکوعت برسد بنا بر احتیاط **مسئله** مأموم موقوف فراموش کرد حمد و سوره را
امام رکوع رفت ملتفت شد متابعت کند و احتیاطاً نماز را اعاده کند اما بعد سهواً
نمیخواند هر مأموم یا غیره در رکعت سیم یا چهارم بخواند رکعت اول یا دوم حمد خواند
باین یا بعد بخاطرش آمد تسبیح بخواند و بعد از نماز دو سجده سهواً احتیاطاً بجا آورد
مأموم در رکعت سیم یا چهارم فراموش کرد تسبیحات اربعه را و قبل از سجده سهواً که امام به
رکوع رفت اگر میتواند یک مرتبه بخواند رکوع با امام برسد و اگر نمیرسد یا قصد فراموشی کند
یا یک مرتبه بخواند رکوع رود در سجده با امام برسد و احتیاطاً نماز شرعاً اعاده کند
یا تسبیح بخواند و متابعت کند و بعد احتیاطاً اعاده کند هر ساقط است در رکعت اول
نماز قرآن حمد و سوره از مأموم و هر گاه مأموم باید حمد و سوره بخواند اذاعتدا بخواند
اگر چه جمیع مرتبه نباشد **مسئله** باید اهل جماعت بترتیب تکبیر بگویند خواه صفاً اول باشد
خواه غیر آن بقیه کرد و از امام پیش یا امام زیاده از یک ذرع شاه نباشد احتیاطاً

در کلمات

و اگر سانس مشغول تکبیر است چنانچه نامشغول نیت کردن باشد چنانچه در انوقت دست
 بالا میبرد نیت کردن لاخوضر و ندادد هر هرگاه ماموم در نماز چهار تکبیر هر چه صوت امام را
 نشود در قرائت خود بخواند بقصد قریبه مطلقه نه بقصد جزئیت و اگر تمام نکرده که امام
 بر کوع رود انهم بر کوع برود و اگر فراموش کرد هر جا که بخواند اطرش باید بخواند هر چه میبرد
 اگر در بین خواندن یکجا آن صوت امام را بشنود بخواند ضرر ندارد و اگر بعد از آن باشد بخواند
 ضرر ندارد و اگر بشنود صوت امام را فراموش کند و اگر اخفای باشد که میگوید و اولی
 سبحان الله گفتن است و قرائت خواند و مکره است هر نماز نافله را میتوان قطع کرد و فرضیه را
 بجا اعتقاد کرد و هرگاه شخص فرضیه را فراموش کرد میتوان از دست اجاعت اعتقاد کند
 بشرط آنکه قضاء یقینیه بر ذمه نداشته باشد **مسئله** ماموم در غیر رکعت اولش هیچ چیز
 میدانت که رکوع میرسد که امام را است شد خود رکوع و در سجده یا امام برسد اگر
 چه سجده دوم باشد و همچنین است در رکعت اول اگر در حال قیام امام تکبیر بگوید و احوط
 در اینصورت قصد مرادی است یا بعد از اتمام اعاده است **مسئله** اگر پیش از اتمام سهوا
 سلام واجب رکعت احوط اینست که بعد از امام باز بگوید و در سجده سهو قریبه الله جل و اورد
 و اگر بعد از آنکه بقیه قصد افراد احتیاط نماز را اعاده کند **مسئله** هرگاه در مسجد وارد شود
 که یک امام و ائمه اوردند متعدد و در نماز باشند یا فارغ شده باشند و در تعقیب باشند
 و توخواهی فرادی نماز کنی و نماز تو مطابق باشد با نماز ایشان و لو بقضا بلکه مخالف هم
 باشد چه دور باشد و چه نزدیک که یک مجلس باشد عرفا چه پیش یا تیره ایشان چه عقب
 و چه با حد یا بین ایشان اذان و اقامه مگو که جایز نیست اگر چه امام جماعت را هم نشناخته
مسئله شخصی که نماز قضاء یقینیه بر ذمه داشته باشد نماز مستحبیه ترک کند یا بار
 احوط و اگر در نماز واجب باشد خواسته باشد عدول بستیجه کند که در رکعت جماعت کند
 نمیتواند بنا بر احتیاط بلکه عدول بقضا نمیتواند کرد که زود در رکعت جماعت کند **مسئله**
 و شک میان امام و ماموم اعتبار ندارد مگر آنکه ماموم شک بخوردی خود کند مثل آنکه شک
 کند که من یکبار کرده ام یا در سجده یا عقب دارد یکبار یا او در و هم چنین در

۵
 احوط است
 همین که صوت امام را
 شنید و جمله
 که در رکعت اول
 میرد

مسئله
 اگر در نماز
 کسی را شک
 باشد که در
 رکعت اول
 است یا در
 رکعت دوم
 است

۵
 در عدول بقضا
 در غیر صورت
 شک است
 بینا

در نماز است

هر موضعی از نماز حتمی رکعات هر امام در رکعت سیم مثلاً احمد بن حنبل و ابو حنیفه و مالک و شافعی
 باشد باید او هم بخواند یا قدرت و اگر در رکعت ثانی بخواند بدل یا آورد یا نکرار
 کند یا ذکر بخواند بقاعده که هفت در محل خود هر مأموم صراحتاً سجده برداشت دید امام در سجده
 است متابعت کرد بعد معلوم شد که سجده دو تیم امام بوده سجده دیگری بجا آورد و بعد از
 اتمام احتیاطاً نماز را اعاده کند هر مأموم شکر تکبیر افشای پیش از تکبیر الاحرام اما
 میتواند گفت هر گاه شخص وارد بر جماعت بومیته شود و نداند که چه نماز است قضا
 یا اد اجهره است یا احتیاطی اقتدا کند ضرورتاً در هر گاه شخص نماز مغرب را پیش از اتمام
 اقتدا کرد و در قیام مشک کرد که این رکعت سیم است یا چهارم صبر کند تا امام بر کوع رکوع
 و سجده بن را بجا بیاورد که معلوم شود ضرورتاً در هر نماز آیات هر یک بدیگر اقتدا
 میتواند کرد و لازم نیست که امام اعلام کند مومین را که چه نماز است و اما اگر رکوع اول
 نرسید در رکعت نکرده صبر کند تا رکعت دیگری هر گاه امام بعضی سوره بناد است فراموش
 کرده بخواند بر کوع رفت مأموم قصد فرادی کند و سجده و سوره بخواند و اما بعد از رکوع
 پنجم سمع الله و تکبیر است و هر نماز یکی خور است مثل زلزله فادام العسر فور پیش باقی است
 و لهذا اداء است و از برای میت اگر بجا بیارند نماز را نیت قرینه که آنها بر میکنند
 هر شخص در ذکر رکوع است شک میکند که امام رکوع بود رسید یا نه احتیاطاً ندارد
 شکر و با جماعت است هر جا بل از برای اهل جماعت میان مردان و زنان ضرورتاً در هر
 شخص غافل در شناسا بموعه بد هر فاستو میشود اما اگر توبه کند باز قنات هر مأموم
 پیش از امام تکبیر گفت بعد ملتفت شد یا عدول بفرادی کند یا عدول بمتخیر کند اگر قضا
 بر ذمه خود نمیداند و قطع کند و تکبیر الاحرام را بعد از امام بگوید و الا نمازش باطل است
 هر نماز جماعت مستحب مؤکد است در جمیع نمازها و اجبر خصوص نماز بومیته و جماعت در
 هیچ نمازی واجب نیست مگر در نماز جمعه و عیدین یا شراطاً و کسیکه قرائتش صحیح نیست
 با قدرت یاد گرفتن آن هر گاه نیست جماعت کردن نمازها را که بحسب اصل شرع واجب بود
 باشد و بعد مستحب شده مثل نماز عیدین در این زمان و نماز واجبه که قضا کرده شود

تجدید نماز در صورتی که در نماز است
 هر گاه او را بقیست نماز در آن وقت بود

کدام است که این
 مسئله منبر
 احتیاط است

بعد از آنکه نماز تمام شود
 که تا نماز تمام شود و نماز تمام شود

در نماز جماعت

بر وجهی شروع یا نماز واجب که فرادی کرده باشد و شخص مستحباً بجماعت خواهد افتاده کند هر چه
 نماز یومیته هر یک را بدیگر اقتدا میتوان کرد قضا را با او عکس آن قصر را با تمام و عکس آن
 آن بلکه نماز طواف یومیته و عکس آن بجماعت میتوان کرد اما نماز مستحبه بجماعت نمیتوان کرد
 مگر نماز طلب باران هر نماز مستحبه که بنزد و واجب شده باشد و نماز احتیاط در شک را چه
 نمیتوان بجماعت کرد بنا بر احتیاط و اگر امام و مأموم شریک باشند در شک در نماز احتیاط
 اشک بجماعت نمیتوان کرد هر یک و نفر مکلف بجماعت منعقد میشود و وزن بمرد وزن اقتدا
 کند و مرد بزن اقتدا نمیتواند کرد هر گاه امام در رکوع ذکر رکوع را تمام کرده باشد که مأموم
 برسد خوبست و اگر در رکوع با امام نرسد یا شک با مظهر دارد که رسید نمازش باطل است بلکه
 در شک احتیاطاً متابعت کند و رکعت دیگر مبطلاً عمل آورد و تکبیر بگوید و مظهر هر چند است
 مگر آنکه مظهرین شود که در حال رکوع امام رسیده است بر رکوع هر اگر شک داشته باشد رکوع رسیده است
 باین قصد تکبیر بگوید که اگر نرسید یا قصد فرادی میکنم یا در قیام صبر میکنم تا امام از سجده
 فارغ شده بر خیره و رکعت اول خود قرار میدهم خوبست هر یک باید صف اول مأموم را امام را
 به پیشند و اگر مأمومین خا بل نباشند ضرر ندارد و صفها بعد باید صف پیش خود را به پیشند
 و نباید در هر حال نماز امام را به پیشند مگر زن که انما مشرد باشد خا بل ضرر ندارد هر اگر خا بل
 پنجه باشد که دیده شود ضرر ندارد و اما اگر شیشه باشد لحوط اجتناب هر اگر در بین نماز
 هم رسد همانند نماز بجماعت باطل است اگر بگذرد مثل حیوان یا ادوی ضرر ندارد هر باید خا بل
 ایستادن امام زیاده از یک شبر متعارف بلندتر از جای مأموم نباشد علی الاحوط و اما
 سر اشیب تدبیری باکی نیست بلندتر بودن جای مأمومین از جای امام ضرر ندارد مسئله
 جایز نیست بجماعت بدور بودن مأموم از امام یا از مأمومین انقدر که دوری بسیار باشد
 لکن لحوط ایستند که از جای ایستادن امام تا جای سجده مأموم بیشتر از یک ذراع شاه خمینا
 فاصله نباشد و همچنین بین صفوف مأمومین و اگر در بین نماز فاصله حاصل شود زیاده از
 قسم مذکور قصد فرادی کند بنا بر لحوط مسئله وقتیکه فرادی شد دیگر عدول
 بجماعت نمیتواند کرد هر جا بزیست که مأموم پیشتر از امام بایستد بجز در حال ک مأموم

صلوة جمعه
 با خاشاک و عکس
 ان بن جانز است
 میرزا
 اگر چه لحوط
 در آن نیست
 ترک است
 میرزا
 این نماز را
 کند و افتاده
 نماید میرزا
 با اینغنی که اگر
 نخواهد بیفتد
 میرزا
 از نظر لحوط ایستادن
 مأمومین و امام

در جماعت

قدریست از امام باشد ختم در سجده هم که آیه میکند **سجده** بجای اید افتد اند
 اگر قصد اقتداء نکند و حمد و سوره بخواند یا سکوت طویل شود باطلست نمازش اگر چه
 بشرط آن نماز هم بجا آید بشرط آن بنا شد مثل یومیه **هر** باید بشخص عادل و احد افتد اگر در کس
 بداند یا نشناسد از این افتد کند که کار و نمازش باطلست **هر** اگر علم حاصل کند که امام حاکم
 دارد که گناه بپوشد یا نمیکند و اصرار بر صیغه نداد یا بجزن ظاهرش منظره حاصل
 میکند که حالتی در راه است که منع میکند او را از ترک شدن گناه بپوشد و بپوشد از دست
 ندارد یا اینکه در طاعت بر بحال او بدهند و منظره حاصل کند باجمع مقبرین و غیره و اولی
 با و منظره یا عام حاصل کند بعد از آن اقتدا کن **هر** اگر اقتدا با امام حاضر کردی که عادی
 میدانیست و بعد از آن هم شد که آنکه منظور تو بوده غیر او است اما این هم عادیست نماز
 صحیح است اگر چه بهر با هم اقتدا کردی بجان آنکه حاضریت بعد معلوم شد که غیر او
 اگر چه او را هم عادی بدانند نماز باطلست اگر چه در بین نماز هم باشد **هر** اگر در بین نماز
 عذری از برای امام بهر یک ماموم باشد زنیش عدول با امام دیگر میتواند کرد بنا بر قوه
مسئله جایز است از برای موم و مسال الخیار عدول بفرادی کند اگر چه در اول
 قصدش باشد که در دو رکعت از عدول بفرادی کند **مسئله** از مومین سابقا است
 حمد و سوره در رکعت اول و در حضور در صلوة چهارم که صوت امام و بشنوند بجز
 اگر نشنوند اصلا بیدانند **مسئله** بصلوة بجز آنکه حمد و سوره را و اگر گنجی است هم ضرر ندارد
 و اگر صلوة احتفالی نباشد مستحب است بدگره مشغول شوند مثل سبحان الله و الحمد لله
 و صلوات را اولی است **هر** اگر امام در قنوت باشد که ماموم تکبیر نکند مستحب است
 متابعت کند بجز آنکه قنوت لکن نه بقصد جزئیت و همچنین در تشهد هم متابعت کند اما نشتر
 بجماع احوطست و در رکعت دوم خودش قرائت الغنات کند اگر چه صلوة چهارم باشد
 در رکعت آخر امام اختیار دارد بجز اهد متابعت کند تا سلام واجب بجا آید و اگر گنجی است
 سزاوارتر است که در تشهد بجز خود خواند تمام کند **هر** خطبه نیست عداً تقدم افعال نماز خود را
 بر افعال نماز امام چنانچه جایز نیست تاخیر افعال نماز خود را افعال نماز امام جدا بنا چنانچه

در جماعت

و اگر عدا چیزی کرد که کار است و نماز جماعت کردن او صحیح است و احتیاطی است و احتیاط
 از آن اعاده نماز است و اگر سهوا چیزی کند مثل آنکه پیش از امام برکوع رود مثلا اگر
 ممکن نباشد بگردد و اگر واجب کوعرا بگوید و الا یک سبحان الله بگوید احتیاطا راست
 شود و امام برکوع رود و ذکر واجب کوعرا بگوید نمازش صحیح است هر چند احتیاطا اعاده
 نماز است در صورتی که پیش از امام از رکوع سهوا راست شد و متابعت کرد و هرگاه نافر
 بر کرد و متابعت کند امام با او سبب ضرر ندارد و اما اگر عدا نماید و متابعت نکند
 کند کار است و احتیاطا اعاده نماز است و اگر تارفت بر کرد امام با او سبب ضرر
 ندارد و بهمان حالت باشد **مسئله** متابعت در احوال واجبیت مگر آنکه بشود
 صوت امام را که احتیاطا متابعت کند و اما اگر سهوا چیزی از تشهد پیش افتاد نماز
 بقصد قریب اعاده کند و واجبست تکبیر الاحرام بعد از امام بگوید و همچنین سلام واجب
 آقا هرگاه سلام و اعدا پیش از امام بگوید احتیاطا اعاده نماز را کند مگر آنکه قصد فرود
 کنند بگویند و اگر سهوا پیش بگویند احتیاطا بعد از امام باز بگویند و دو سجده سهوا به
 نیت قریب یا آوردند هرگاه امام بعضی از عرو و قراء ترا قدرت برد دست خوانند نشسته
 باشد و ماموم در دست بخواند اقتدا نکند اما هر وقت قرائت اگر چیزی باشد ماموم
 اقتدا کند ضرر ندارد هر ماموم اگر بنشیند تسبیح او بعد از سه مرتبه بخواند و نایده از
 یک مرتبه هر چه ممکن است بخواند بقیه مگر برکوع برسد بنا بر احتیاطا **مسئله** اگر بعد از
 نماز معلوم شود که امام فاسق یا کافر یا بی طهارت بوده مثلا نماز گذشتند او صحیح است و اگر
 در بین نماز بفرمانند اقتدا نفراد کنند و نماز را تمام کنند هرگاه ماموم عالم باشد بجماعت
 غیر معفو در بدن یا لباس امام در صورتی که میداند که امام جاهل بان هست اقتدا
 نکند بنا بر احتیاطا و در صورتی که نداند که امام جاهل بان هست اقتدا نکند **مسئله**
 اگر مثلا امام شپش یا از بعضی از مرتبه بخواند و ماموم باید سه مرتبه بخواند اقتدا نکند
 که شکل است هر جا نماز اقتدا کردن با ماسکه متیم است یا صاحب جیره یا صاحب
 جرح یا عرج باشد هر ماموم ایشان را با امام نشسته نمیتواند اقتدا کند و همچنین

در بقا اقتدا با
 تقدم علم
 و تفرق و حش
 اشکال و احوال
 افراد اشکال
 مذکور است و غیر
 میرزا

در
 اختصاص
 بلکه از هر طریق
 علم با قول امام
 داشته باشد
 احتیاط است
 میرزا

در
 جواز اقتدا
 بعد از
 میرزا

در
 جواز اقتدا
 بعد از
 میرزا

در جماعت

اعلا باد فی هر ساعت هر گاه امام چیزی از نمازش فراموش کرد و متنبه نشد قصد فرادی کردن قاموم احوط است در صورتیکه بنا شد و الا قصد فرادی لازم است هر گاه شخص بجماعت نماز کرد و قضای برده خود نمیداند پس خواند اما تکبیر اکتسابی که نماز نکرده اند مستحب است که صفها بجماعت راست باشند بخدا بودن کفها مامومین و طولانی تر بودن صف بعد که متصل باشد بصف پیشتر ندارد **مستحب است** که تا امام ^{الصلوة} قد قامت گفت مامومین برخیزند و اهل فضل را در صف اول جای دهند **مکروه است** نهان شدن در صورتی که میان صف خالی نباشد بلکه بیاید را امکان که خالی می باشد یا بستن کمر است مشغول نماندن وقتیکه امام قد قامت الصلوة گفت و بشنوا ایندن به امام اذکار خود را و مستحب است که امام بشنوا بد مامومین اذکار خود را **فصل در احکام مسافران** مسافر نباید قصد طی کرد زهشت فرسخ مستلذ اشبه باشد یا چهار فرسخ رفتن و چهار فرسخ برگشتن در یک روز یا در یک شب یا بقسمی که شب فاصله نشود هر گاه در بین چهار فرسخ شب فاصله شود احتیاط جمع است مگر آنکه قصد ماندن ده روز کنند پس تمام معین است هر اقا حد فرسخ سه میل است هر میل چهار ذراع است و هر ذراعی یک کف دست و چهار انگشت و هر انگشت یک کف دست و هر جو یک کف دست و هر موها وسط آن است هر گاه چیزی از این مسافت کمتر باشد یا مثل یا مظنه در مسافت باشد نماز تمام است بل در صورت مظنه احوط جمع است و اگر ممکن شود تحصیل علم بدین عصر و حوج احوط و خوب تحصیل است هر اگر در اثناء راه بفهمد که مسافت است اگر چه بانه فاصله راه بقدر مسافت نیست قصر یا بستن مسافت از بلدها کوچک یا متوسط از قلعه است و اگر قلعه ندارد احوط است که مسافت از بلدها بزرگ احوط است هر اگر قصد مسافت در رفتن باشد و چند روز طول بکشد طی کردن مسافت حاضر ندارد مگر بجهت تفریح نباشد مثلا در روزها بیاطاعت کند مسافت از اینصورت احوط است هر اگر کمتر از چهار فرسخ در یک روز آمد و شد کند در فاصله از هشت فرسخ بسوی مسافرت است هر اگر راه رفتن کمتر از چهار فرسخ باشد و برگشتن از راه دیگر فاصله از چهار فرسخ کردد اگر چه راه برگشتن هفت فرسخ هم باشد سفر نیست و احوط جمع است هر گاه

احکام مسافرت

در بین مسافرت هر دو شد در رفتن باز قصدش بر رفتن شد اگر در حال ترمه در چهار از راه
 نرفته مسافرت شکسته کند و اگر مسافر طریقه کرده اما غیر از این آنچه آمده و آنچه برود بقدر
 مشاهده نماز را شکسته کند و احوط جمع است هرگاه با آن فائده بقدر مشاهده باشد و هرگاه
 نباشد شکسته کند هرگاه شخص در بین مسافت قصد ماندن در روز کند یا بوطون برسد نماز
 کند و همچنین اگر در ترمه باشد تا همه روز تمام شود تمام کند **مسئله** هرگاه ما بپرو و وطن هشت
 فرسخ کمتر باشد تمام کند بجز اگر چهار فرسخ باشد یا زیاد که کمتر از هشت فرسخ نباشد او را جمع است
 استحباباً با هر که از بوطون جائز است که شخص قرار گرفته باشد بقصد همیشه ماندن و انقدر
 بماند که عرفاً صادق کند و وطن او شرط نیست شش ماه ماندن اگر چه احوط است و مطلقاً شش
 و مستحب بودن و وطن شرط نیست **مسئله** هرگاه قطع وطن کند و چون مراجعت کند
 اگر ملکی ندارد شکسته کند نماز او اگر ملکی دارد احوط جمع است هرگاه شش ماه فائده باشد
 و اگر جایی ملکی دارد و قصد وطن و همیشه ماندن ندارد شکسته میکند اما اگر شش
 ماه فائده باشد احوط جمع است **مسئله** هرگاه مسافر در بلد واحد علمیده روز
 ماندن ندارد یا قصد کرده و روز ماندن کند که از شخص بیرون رود و در وطن باشد
 هم نباشد و ماندن نماز را تمام کند و اگر یک نماز تمام کرد بعد قسمی شد که نباید برود
 اینجا است تمام کند اگر چه از ده روز هم بگذرد و هر وقت که رفت شکسته کند **مسئله**
 ولایت کاظمین و بغداد در بلاد است و بیعت مسجد کوفه هم در بلاد است اما باید قصد ماندن
 ده روز در یک بلد داشته باشد **مسئله** اما بلاد کربلا که خاروق غاد است قصد
 اقامه در یک محله آن باید باشد و غیر از قسم مذکور نماز شکسته است هرگاه شخص در بلد
 اقامه پیش از ده روز یا بعد از ده روز از حد شخص بیرون رود اگر بر کشتن باز قصد ده
 روز ماندن نازده دارد نمازش تمام است و الإجماع است احتیاطاً بقصد ترمه و تقدیم
 هر یک ضرورت ندارد و اما اگر بعد از آمدن شد بسیار قصد کرده روز ماندن دارد تمام کند
 و در رفتن و مقصد بر کشتن فرق ندارد هرگاه اگر از شخص بیرون میرود تا هفت فرسخ
 مثلاً و قصد ده روز ماندن دارد در اینجا تمام میکند و در راه او جمع است و اگر

از آنکه مسافر در این طریقه ایستاده
 اگر در این طریقه ایستاده باشد
 این احکام
 از آنکه مسافر در این طریقه ایستاده
 اگر در این طریقه ایستاده باشد
 این احکام
 از آنکه مسافر در این طریقه ایستاده
 اگر در این طریقه ایستاده باشد
 این احکام
 از آنکه مسافر در این طریقه ایستاده
 اگر در این طریقه ایستاده باشد
 این احکام
 از آنکه مسافر در این طریقه ایستاده
 اگر در این طریقه ایستاده باشد
 این احکام

احکام مسافر است

هشت فرسخ میرود شکسته کند **مسافر** و چند از حد قصر را بدینست که صد در بلندگاه بیلد
 توسط مثل کربلا و نجف در آنجا نرسد و بجایزه اخروی صد که از آن اعلامی بلد یا آنجا نرسد
 و شکل دیوارها آنها اگر ببلد دیده نشود اما بچشم و گوش و صد او هوامعدله و احوط اعتبار
 هر دو است هر کس ببلد ها عظیمه اعتبار ترخص ان بجهت مسافرت و اعتبار قصر با اتمام دایم
 شدن یا تا رجعت حد ترخص است و بعد از ماندن در ترقد سه روز حکم اقامه عشرت است
 هر کس که شخص بقصد سفر از حد ترخص بیرون رفت و منظر بقعات است اگر طریقتی باشد
 و قفا و رفتن سفر نماز را شکسته کند و اما هر کس که سفرش موقوفست بآمدن فوق و مطهر
 نیست بآمدن نشان و بمسافر شرعی رسیدن تمام کند و احوط جامع است اگر بچهار فرسخ رسد
 و همچنین تمام کند اگر قصدش برگشت از سفر تا برتر شد پیش از رسیدن بچهار فرسخ و الا
 تا پیش از رسیدن هشت فرسخ تمام کند و احوط جامع است هر کس که شخص مثلاً عقب گریخته
 برود هیچ وقت قصد بنای مسافرت نداشته باشد در رفتن و نیز در رجعت هر چه راه
 طی کند نمازش تمام است در رفتن و برگشتن و اگر در برگشتن قصد فتاد آورد قصر میکند
 هر کس که شخص سفرش مسافرت باشد مثل صید کردن طو یا ظلم کردن یا قطع طو
 کردن یا احاطه تمام یا بجهت اطاعت ظالم سفر کردن و غیره تمام است نمازش هر نماز را تمام کند
 و اتم التفریط آنکه ده روز در وطن ماند یا در غیر وطن بقصد اقامه ده روز نماید
 بی قصد اقامه بعد از ترقد سه روز در غیر بلد ماند و الا نمازش قصر میشود در سفر
 اولش و سفر در پیش احوط جامع است و سفر یعنی تمام بشرط آنکه باز قصدش و کسبش
 سفر نباشد و صوم در هر حال تابع نماز است در قصر و اتمام هر کس نماز در مسجد الحرام و مسجد
 رسول و سایر جناب سید الشهداء و مسجد کوفه و غیره است شیخا قصر و اتمام ببله احوط قصر است
 و افضل تمام آنرا و زه نیکر هر کس شخص نداند که در سفر باید نماز را شکسته کرد و یا بجهت
 در سفر تمام کند صحیح است نمازش بخلاف آنکه بداند در سفر نمازش قصر است و نداند سفر است
 و حیثیت تمام کرد باید شکسته اطافه یا قضا کند **مسافر** هر کس که مسافر عالم باشد که باید
 شکسته کند تمام کند و نماز است نمازش هر کس که کافر امورش کند سفر خود را تمام کند اگر وقت

در احکام نماز و قضا

هست اعاده کند و اگر وقت گذشته قضا ندارد هرگاه شخص در اول وقت حاضر است
 نماز کند و در آخر وقت مسافر است نماز اشکسته کند و او را جمع است و اگر در اول وقت مثل
 آن بود در آخر وقت حاضر است تمام کند و اگر قضا شود اعتبار بحال وقت قضا است در قضا
 آن نه اول وقت که بریده او تعاقب گرفته است هرگاه شخص بالتبع غیر سفر رود و بداند
 که بقدر مسافه میبرد او را اشکسته کند نماز او اگر اندک بقدر مسافه میبرد یا شل
 یا سطنه داشته باشد در وقت مسافه تمام کند و واجب نیست برای او که از متبوع سوال
 کند و بر متبوع نیز واجب نیست که او را اعلام کند مسافه **فصل در نماز قضا است**
 واجبست قضا نمازهای پیش غیر از نماز جمع و پنج وقت هر یک که در نمازها
 اصلا یا بر وجه صحیح در وقت بجهت عذر و غیره مگر کسای که مستثنی است در محل خود بود
 و نماز کافر که مسلمان شود و غیره قضا بعینه با مثل اداء است در رکعات و در هر رکعت
 و در قصر و اتمام و قضا حاضر را در سفر باید تمام کرد و سفر را در حضر شکسته باید کرد مثل
 حاله که در حال فوشده **مسئله** هرگاه برود قضا در غیر شهر و غیره در هر
 بخواند و هرگاه در قضا مرد را بجز شهر و الحوط اخذ خواندند هرگاه
 یعنی خود را در قضا غیر از احتیاطا اجیر شود و نماز صیبر از آن بنا بر احتیاط است
 یعنی برده خود را در واجبست که هر قضا کردن در هر نماز داشته باشد اگر کسی
 نماز قضا شده را بداند واجبست ترتیب کند و هرگاه نداند ممکن شود که ترتیب نماز
 چیز کند مثل آنکه اول نماز ظهر و عصر از او فوشده و عمداً ترتیب هر این را اول
 نماز ظهر را قضا کند بعد عصر را بعد یک ظهر دیگر یا آنکه سه نماز یکجا در وقت
 شده و ترتیب را بیندازد پنج شبانه روز نماز کند هر شبانه روزی این را به نماز
 حاصل شود و اگر ممکن نشود ترتیب ابتدا بهر نماز یک خواندند مسافر هر یک
 مثلاً در نماز صبحی از او فوشده ده نماز صبح کند یا هر قضا که نماز اول قضا کند اول
 فوشده در وقت که در وقت فوشده و اگر لازم نیست بلکه بقصد فائده الله تعالی باشد
 هر یک هر یک کند آن چند نماز یا چند شبانه روز در وقت اول آن نماز کند

این چیز مشفقان کاتبان و غیره
 در احکام نماز و قضا
 اصل آنکه در هر یک از اینها
 نماز اول این و اول آن
 کتب و احکام نماز و قضا
 حکم
 احکام نماز و قضا
 نماز

در نماز قضا امت

نامطهرین شود بر اثر ذمه او و اگر یکی از دو پیشانیان روز فوت شده و بیدارند کدام است
 اگر حضرتیت یک دور کعبه و یک ستر کعبه و یک چهار کعبه بقصد فائز الذمه بکند و اگر انش
 و الخو اهد چهره بخواند یا اخفا تا خیار دارد و اگر سفره نباشد یک سر کعبه بکند یک دو
 و کعبه بقصد فائز الذمه هر گاه چند نفر نماز یک میتر الجیر شوند اگر بداند ترتیب را باید
 بر ترتیب بکند و واجب نیست تقدم قضا خود را بر اداء خود لکن اگر یک قضا بر ذمه باشد
 یا قضا روز یا قضا شب بر ذمه نباشد و دیگر قضا بر ذمه نباشد یقیناً احوط مقدم
 داشتن است بر اداء هر ترتیب در غیر قضا بوسیله نیت هر چیزی برای صوم و صلوات
 باید عادت است اداء هر نماز قضا که ترتیبش اینست آنرا که چند ظهر مثلا بچند روز
 بکند هر چند عصر یا چند مغرب یا چند عشا یا چند صبح ضرر ندارد و اگر یکبار روز
 تمام نشده که شبانه روز دیگر شروع کنند هم ضرر ندارد بشرط آنکه ندانند بقا بقا هم فوت شده
 و الا شبانه روز اتمام کند بجز شروع کند شبانه روز دیگر و اگر ترتیب اینست بخواند
 نماز ظهر امثال مشغول شود مشغول عصر شد عدول نکند و اگر بداند ترتیب احوط کند
 بسابق هر نماز قضا یقین بر ذمه شخص باشد احوط ترک نماز مستحبات و مستحبات دیگر
 ضرر ندارد بجا آورد هر گاه شخص شك دارد که اگر سوره را بخواند نمازش
 قضا میشود یا نه باید سوره را بخواند هر گاه شخص احتمال میدهد که قضا بر ذمه اش
 هست میتواند که به نیت قرینه بجا آورد قضا را و قرینه یعنی رضای خدا هست در بجا آورد
 این عمل همچون هر عبادتی بقصد قرینه کفایت میکند و مراد بیان در هر جا همین است که در بجا آورد
 هر گاه شخص احتمال بدهد عید و نقره در نماز خودش یا در نماز غیر و بقصد فائز الذمه
 از برای خود یا از برای غیر که میت نباشد تبرعا بجا آورد مستحب است و همچنین اگر روزی در بجا آورد
 دیگر هر شخص که نماز قضا دارد باید قصد و عزیمت قضا کردن داشته باشد اگر غرض از قضا
 باشد مصیبت کار است و نماز قضا یقیناً اگر بر ذمه دارد اجیر غیر نشود بنا بر احیاء شخص
 نماز قضا خود و والدین هر دو بر ذمه دارد هر یک مقدم است از دیگری است فصل در شکاک
 هر شکاک بیست و یک قسم است پنج قسم آن اعتبار ندارد شک بعد از سلام و شک بعد از نش

۱۰
 بشرط آنکه نماز
 با واقع معلوم
 نباشد
 میرزا

۱۱
 بقصد
 اتم کند
 دارد قضای
 اینست که اطاق
 باشد که منشا
 خوف فوت نماز
 بخواندن سوره
 نباشد سوره را
 ترک کند و الا
 بخواند
 میرزا